

انجمن مطابع ایران

آلمانی‌ها در ایران

نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول
بر اساس منابع دیپلماتیک فرانسه

نویسنده: الیور باست

مترجم: حسین بنی احمد



www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۸

نشر و پژوهش شیرازه





آلمانی‌ها در ایران
نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول براساس منابع دیپلماتیک فرانسه

نویسنده: الیور ریاست

مترجم: حسین بنی‌احمد

طراح جلد: علی خورشیدپور

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: سپهر نقش

صحافی: فاروس

نوبت چاپ اول: بهار ۱۳۷۷

تیراژ: ۲۲۱۰ جلد

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران - صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۱۳۸

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

ISBN 964-6578-04-7

شابک: ۹۶۴-۶۵۷۸-۰۴-۷

آلمانی‌ها در ایران

نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول
براساس منابع دیپلماتیک فرانسه

نویسنده: الیور باست

مترجم: حسین بنی‌احمد

www.KetabFarsi.com

فهرست مطالب

۹	یادداشت دبیر مجموعه
۱۱	پیشگفتار نویسنده بر چاپ فارسی
۱۳	سراغاز

فصل اول: آلمان و ایران در جنگ جهانی اول،

تاریخچه رویدادها

● بخش اول: از ابتدای سال ۱۹۱۵ تا بهار سال ۱۹۱۶: اوج فعالیت

۲۷	آلمانی‌ها در ایران
۲۷	۱. شکل‌گیری طرح آلمان
	۲. ژانویه ۱۹۱۵: انتخاب یک سیاست مشخصاً ایرانی از طرف
۳۰	آلمانی‌ها و تبیین ساختار رهبری
۳۵	۳. بهار ۱۹۱۵: آغاز عملیات در ایران
۳۹	۴. کوشش برای تبیین برنامه سیاسی آلمان در ایران
۴۱	۵. از ماه‌ماه تا ژوئیه ۱۹۱۵: کابینه عین‌الدوله و آلمانی‌ها
۴۳	۶. استقرار نیروهای آلمانی در سراسر ایران در تابستان ۱۹۱۵ ...
	۷. پیشنهاد اتحاد از طرف کابینه مستوفی‌الممالک و تشکیل هیئت
۴۸	فن در گلتز
	۸. اوج نفوذ آلمان در ایران در پایان سال ۱۹۱۵: شکست آلمانی‌ها
۵۱	در پایتخت در نوامبر ۱۹۱۵ و پیروزی آنان در ولایات
	۹. عقب‌نشینی آلمان از غرب ایران در برابر پیشروی سربازان روسیه
۵۳	در آغاز سال ۱۹۱۶
۵۶	۱۰. مقدمات تشکیل یک دولت جدید ایرانی در تبعید
۵۷	۱۱. شکست کامل در بهار ۱۹۱۶

● بخش دوم: از تابستان ۱۹۱۶ تا فوریه ۱۹۱۷: از سرگیری فعالیت

۶۰	آلمانی‌ها در ایران تحت اقتدار عثمانی‌ها
----	---

۱. برنامه جدید تنظیم شده توسط نادولنی ۶۰
۲. تشکیل دولت موقتی به ریاست نظام السلطنه ۶۱
۳. سازماندهی مجدد نفرات و نهادهای سیاست آلمان در ایران .. ۶۲
۴. از پاییز ۱۹۱۶ تا فوریه ۱۹۱۷: همکاری ایرانی‌ها و آلمانی‌ها در منطقه تحت اشغال عثمانی‌ها؛ روابط پر کشمکش دولت موقت با آلمانی‌ها ۶۳
۵. شکست نهایی نقشه‌های آلمان در ایران ۶۶
۶. آلمان و ایران تا پایان جنگ ۶۷

فصل دوم: فعالیت آلمانی‌ها در ایران از دیدگاه دیپلماسی فرانسه

● بخش اول: از آغاز سال ۱۹۱۵ تا ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵: اوج فعالیت

- ۷۱ آلمان در ایران ۷۱
۱. از آغاز سال ۱۹۱۵: ورود مأموران آلمان به صحنه عملیات .. ۷۱
 - الف. مارس ۱۹۱۵: نخستین «مدارک کتبی درباره یک توطئه سازمان داده شده توسط وزیر مختار آلمان در تهران» .. ۷۱
 - ب. بحران آوریل ۱۹۱۵: ضربه آلمان علیه «بانک شاهنشاهی ایران» و اقدام متفقین برای کودتا ۷۶
 - پ. «نقشه جنگی» وزیر مختار فرانسه در ۴ مه ۱۹۱۵ ۸۲
 - ت. پایان مه ۱۹۱۵: تعرض همزمان دیپلماتیک کابینه عین‌الدوله نسبت به فرانسه و آلمان ۸۸
۲. بحران طولانی دولتی در تابستان ۱۹۱۵: دو اقدام فرانسوی‌ها برای بی‌اثر کردن فعالیت آلمانی‌ها ۹۹
 - الف. استقرار نیروهای آلمانی در آغاز تابستان ۱۹۱۵ و تجدید «نقشه جنگی» وزیر مختار فرانسه ۹۹
 - ب. برنامه جدید موافقت با ایرانیان که به دنبال شکست «گشت نظامی» روس‌ها در ۶ اوت ۱۹۱۵ لوکنت آن را تبلیغ می‌کرد ۱۰۵
 - پ. چکیده: دو نظر به ظاهر متضاد فرانسوی‌ها برای رسیدن به یک هدف ۱۱۰

۳. از پایان اوت تا ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵: موفقیت روزافزون تدارکات
 آلمانی‌ها و تغییر اوضاع ۱۱۳
 الف. نقشه متفقین برای اولتیماتوم دادن به ایران به هنگام
 تشدید وخامت اوضاع در سپتامبر ۱۹۱۵ ۱۱۴
 ب. پایان اکتبر ۱۹۱۵: شایعه اتحاد ایران و آلمان ۱۲۲
 پ. تلاش‌های مکرر وزیر مختار فرانسه در آستانه آغاز
 درگیری ۱۲۸
 ت. شکست آلمان در ۱۵ نوامبر ۱۹۱۵ ۱۳۳

● بخش دوم: کاهش فعالیت آلمانی‌ها تا مه ۱۹۱۶ ۱۴۱

۱. ژانویه ۱۹۱۶: نقشه هیئت سیاسی فرانسه در ایران برای پایان
 دادن به فعالیت‌های آلمانی‌ها ۱۴۲
 الف. ارزیابی برنامه‌های تبلیغاتی فرانسه توسط وزیر مختار
 فرانسه در تهران ۱۴۴
 ب. پیشنهاد انجمن ایران و فرانسه ۱۴۶
 پ. نامه محبت‌آمیز یک ایرانی خطاب به فرانسه ۱۴۷
 ت. طرح اعزام هیئت و مسئله تبیین هدف‌های جنگی
 فرانسه در خاورمیانه ۱۴۹
 ۲. مه ۱۹۱۶: بیرون راندن آلمانی‌ها از ایران ۱۵۳

● بخش سوم: دوره میانی از ماه مه ۱۹۱۶ تا نوامبر ۱۹۱۷ ۱۵۶

● بخش چهارم: از نوامبر ۱۹۱۷ تا پایان جنگ: خطر تجدید فعالیت

- آلمانی‌ها ۱۵۹
 ۱. پیشنهاد فرانسه برای انعقاد یک قرارداد بین انگلیس و فرانسه
 درباره ایران ۱۵۹
 الف. طرح موافقت‌نامه فرانسه و انگلیس ۱۶۰
 ب. تکوین طرح عهدنامه ۱۶۲
 پ. اهمیت قرارداد ترک مخاصمه روسیه و آلمان در

۱۶۵	برست - لیتوفسک
	ت. ارزیابی طرح موافقت‌نامه توسط وزیرمختار فرانسه
۱۶۶	در تهران
۱۶۷	ث. پیشنهاد متقابل لندن
	۲. پیشنهاد امضای موافقت‌نامه میان فرانسه و انگلستان و وضعیت
۱۷۱	بحرانی اهداف فرانسوی‌ها در خاورمیانه در پایان جنگ
	الف. «حزب مستعمراتی» و وضعیت جدید در داخل و در
۱۷۲	سطح رئوپولتیک در سال ۱۹۱۷
	ب. توسل فرانسوی‌ها به «شورای عالی جنگ» در بهار
	۱۹۱۸: از سرگیری تحرکات سیاسی به میانجی
۱۷۷	نظامیان
۱۸۱	نتیجه‌گیری
۱۸۹	کتاب‌شناسی جنگ جهانی اول
۲۲۷	فهرست اعلام

یادداشت دبیر مجموعه

تاریخ معاصر ایران که اصولاً تاریخ پیچیده و غامضی است، با پیش آمد جنگ اول جهانی و در نتیجه، گره خوردن ناگهانی بسیاری از تحولات کشور با انبوهی از حرکت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که تا پیش از آن در عرصهٔ رخدادهای کشور منشأ تأثیر نبود، جنبه‌ای یافت به مراتب پیچیده‌تر از پیش.

درک و شناخت تحولات این دوره که در مقام نقطهٔ پایان بر یک دوره از تاریخ ایران - انقلاب مشروطه - و همچنین پیش درآمدی بر یک دورهٔ جدید، از اهمیتی تعیین‌کننده برخوردار است، مستلزم شناسایی و بررسی جزء به جزء تحولات در هم تنیدهٔ این دوران است.

ارزش اصلی کتاب آلمانی‌ها در ایران نیز دقیقاً در آن است که به سهم خود، گامی است در تفکیک و شناسایی یکی از این لایه‌ها، یعنی خط مشی سیاسی دولت فرانسه در قبال تحولات ایران در دورهٔ مورد بحث. و برای روشن شدن این موضوع، به شرح مختصری نیز از برنامه‌های سیاسی آلمان در ایران و چگونگی فعالیت عناصر و عوامل آن دولت در جهت تحقق این برنامه‌ها اقدام شده است که از لحاظ محتوایی کم از بخش اصلی کتاب نیست.

همان‌گونه که نویسنده در آغاز کتاب خاطر نشان ساخته است، فرانسه از جمله کشورهایی تلقی شده که در این دوره از تاریخ ایران نقش و حضور سیاسی قابل توجهی نداشته است حال آن‌که براساس تحقیقاتی که در این نوشته ارائه شده، به روشنی آشکار می‌شود که برخلاف این نوع برداشت‌ها دیپلماسی فرانسه در این سال‌ها در همه حال خط مشی معینی نسبت به تحولات ایران داشته است، هر چند که این خط مشی در مقام مقایسه با دیپلماسی برخی از قدرت‌های همسایه، از تأثیر و نفوذ چندان برخوردار نبوده باشد.

یکی دیگر از بخش‌های قابل توجه کتاب، کتابشناسی پایانی آن است. تعداد کثیر کتب و مقالات خارجی‌ای که در زمینه تحولات کلی جنگ، و به ویژه جوانب شرقی آن منتشر شده‌اند، و تعداد نه چندان ناچیز آثاری که به تحولات ایران در این دوره مربوط می‌شود و مهجور ماندن آنها از یک سو و در مقایسه، سهم خرد و اندک مطالعات و بررسی‌های ایرانی در این عرصه از سوی دیگر، خود تأکیدی است بر ضرورت آغاز یک رشته بررسی‌های گسترده در این زمینه که هم جوانب خارجی امر را در برگیرد - خط مشی‌های سیاسی نظامی عثمانی، بریتانیا، آلمان و روسیه - و هم ابعاد داخلی آن را چه در عرصه تحولات سیاسی کشور در این سال‌ها، به طور کلی و چه اشکال خاص و ویژه‌ای که این تحولات در هر گوشه از کشور به خود گرفت.

کاوه بیات

پیشگفتار نویسنده بر چاپ فارسی

این بررسی به دلایل متعددی می‌تواند مورد توجه خوانندگان ایرانی قرار گیرد. زیرا از یک سو تاریخچه‌ای مختصر از فعالیت آلمانی‌ها را در ایران دوره جنگ اول جهانی در بردارد که چگونگی شکل‌گیری، و در نهایت شکست طرح‌های آلمانی‌ها را در این سال‌ها شامل می‌شود و از سوی دیگر نگاهی است به سیاست خارجی فرانسه در قبال تحولات این دوره که بر تحقیقات نگارنده در آرشیو وزارت امور خارجه آن کشور استوار است. اگرچه دیپلماسی فرانسه در ایران سال‌های جنگ در مقایسه با دیپلماسی برخی از دیگر قدرت‌های جهانی از محدودیت چشمگیری برخوردار بود، ولی چنان‌که از خلال این بررسی ملاحظه خواهد شد، گسترده‌تر از آن بوده است که تاکنون مورخان می‌پنداشته‌اند.

سیاست خارجی ایران در زمان جنگ، یا لاقال گوشه‌هایی از آن و همچنین آراء دیپلمات‌های فرانسه در مورد برخی از رجال ایران، از دیگر مواردی که در این بررسی ملاحظه می‌شود و می‌تواند برای خواننده ایرانی جالب توجه باشد. امیدوارم که ترجمه و انتشار کتاب به آشنایی بیشتر خوانندگان ایرانی با تاریخ جنگ جهانی اول در ایران کمک کرده و توجه پژوهشگران را بیش از پیش به بررسی این دوره مهم از تاریخ ایران جلب نماید.

در خاتمه جای آن دارد از زحمات مترجم محترم، آقای دکتر بنی‌احمد در ترجمه این اثر تشکر شود.

الیور باست

بامبرگ، آلمان

دی‌ماه ۱۳۷۶

www.KetabFarsi.com

سرآغاز

ناپلئون بناپارت در پیشتهاد معروف خود در سال ۱۸۰۰ به تزار پل اول طرح جسورانه حمله به انگلیسی‌ها را در هندوستان، از طریق ایران، مطرح کرده بود.^۱ با این حال، از زمان شکست ناپلئون تا آغاز جنگ جهانی اول، که طی آن آلمانی‌ها اجرای نقشه ناپلئون را عیناً برنامه کار خود قرار دادند، فرانسوی‌ها، بی‌هیچ مخالفتی، شاهد انقیاد روزافزون ایران و نفوذ قدرت‌های بزرگ و رقیب، یعنی انگلیس و روسیه بودند. قرارداد ۳۱ اوت ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس اوج نفوذ این دو قدرت در ایران بود که در شکل‌گیری آن فرانسوی‌ها چندان بی‌تأثیر نبودند. از آنجا که فرانسه یک عهدنامه اتحاد با روسیه (۱۸۹۴) و عهدنامه‌ای با انگلیس (۱۹۰۳) امضا کرده بود، دیپلمات‌های فرانسوی در فاصله سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ تلاش بسیار می‌کردند که میان دو قدرت آشتی برقرار کنند. منافع فرانسه ایجاب می‌کرد که دو متحدش با یکدیگر به تفاهم برسند؛ تفاهم سه جانبه‌ای که مسئولان سیاست خارجی آلمان آن را به منزله محاصره محتوم کشورشان تعبیر کرده بودند.^۲ بنابراین از ۳۱ اوت ۱۹۰۷ فرانسه در سیاست خارجی خود نسبت به ایران، که ضعیف‌ترین حلقه زنجیر توافق میان دو متحدش بود، توجه ویژه‌ای نشان داد.^۳

1. Valentin Graf Zubow, *Zar Paul I.: Mensch und Schicksal*, Stuttgart, Koehler, [1963], pp. 47-57.

۲. آلمانی‌ها از این اتحاد با کلمه محاصره (Einkreisung) یاد می‌کنند. م.
۳. درباره نقش مؤثر فعالیت‌های سیاسی فرانسه در شکل‌گیری عهدنامه ۱۹۰۷ رجوع کنید به:

فرانسوی‌ها حتی آماده بودند که هدف‌های خود را در ایران رها کنند تا هم مانع از تغییر وضع موجود شوند و هم بهانه‌ای به دست قدرت دیگر، یعنی آلمان که علاقه خود را به حضور در ایران ابراز کرده بود، ندهند. به همین سبب زمانی که آلمانی‌ها و روس‌ها در اوت ۱۹۱۱ به دنبال دیدار معروف نیکلای دوم و ویلهلم دوم (امپراتوران روسیه و آلمان) در پتسدام (نوامبر ۱۹۱۰) در باب مطامعشان در ایران به توافق رسیدند، مقامات پاریس احساس کردند که به آن‌ها خیانت شده است.^۱ فرانسه دلایل موجه دیگری نیز داشت که همه تلاشش را در جهت خنثی کردن نقشه‌های آلمانی‌ها در ایران به کار ببرد. بنابراین باید در نظر داشت که در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول، ایران، به‌ویژه از نظر استراتژیکی، برای فرانسه یک دغدغه فکری به شمار می‌آمد. گذشته از این دورنمای استراتژیکی و با وجود خویشتن‌داری ناگزیر فرانسوی‌ها، دولت فرانسه علاقه ویژه‌ای به مسائل مربوط به ایران داشت.^۲

البته ایران از نظر اقتصادی برای فرانسه اهمیت چندانی نداشت؛ ولی از نظر فرهنگی به مفهوم عام آن، فرانسوی‌ها در این کشور وزنه‌ای پر قدرت بودند. باید یادآور شد که رسالتی که فرانسه برای خود در تمدن‌گستری قائل بود، نقشی اساسی در توسعه طلبی این کشور در جهان ایفا کرد؛ رسالتی که این توسعه‌طلبی را چندان توجیه نمی‌کرد. فرانسه به‌ویژه خود را نیروی مدافع مسیحیان

→ Oswald Hauser, *Deutschland und der englisch-russische Gegensatz 1900-1914*, Göttingen, Vandenhoeck, 1958, pp. 48 sqq.

۱. درباره دیدار پتسدام در سال ۱۹۱۰ و عهدنامه روسیه و آلمان در مورد ایران رجوع کنید به: Gregor Schöllgen, *Imperialismus und Gleichgewicht: Deutschland, England und die orientalische Frage 1871-1914*, München, Oldenbourg, 1984, pp. 317-329.

و در مورد منافع آلمان در ایران در آستانه جنگ نگاه کنید به:

Bradford G. Martin, *German-Persian diplomatic relations 1873-1912*, la Haye, Mouton, 1959, passim.

2. Abdolhasan Ghaffari, *Les relations franco-persanes dans le contexte de la politique extérieure de la III^{ème} République à la veille de la Première Guerre mondiale (1896-1915)*, Paris, Université de Paris I, 1978 (dactyl.) (Thèse 3^{ème} cycle, Histoire, dir.: J-B. Duroselle), passim; Wilhelm Litten, *Persien: Von der «pénétration pacifique» zum «Protectorat»*, Berlin et Leipzig, de Gruyter, 1920, pp. 195-206.

مشرق‌زمین قلمداد می‌کرد.^۱ به همین سبب فعالیت‌های فرهنگی فرانسه در ایران غالباً با فعالیت‌های مبلغان مذهبی آمیخته بود. لازاریست‌ها، خواهران نیکوکار (دختران سن و نسان دوپل)^۲ و همچنین آلیانس اسرائیلی^۳ در زمینه‌های مذهبی، مددکاری و نیز ایجاد مؤسسات آموزشی بخصوص در آذربایجان و در شهرهای بزرگ فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند. مدارس فرانسوی دایر در بسیاری از شهرها، اعم از مذهبی یا غیرمذهبی، مورد توجه فراوان مردم بود. از سال ۱۹۰۵ دانش‌آموزان ایرانی این مدارس مرتباً به فرانسه اعزام می‌شدند و در مدارسی چون سن‌سیر^۴، پلی‌تکنیک، علوم سیاسی و مدارس مشابه ادامه تحصیل می‌دادند. این جوانان تحصیل کرده پس از بازگشت به ایران، در اداره امور سازمان‌هایی که در آن‌ها به پست‌های مهم گمارده می‌شدند، صاحب‌نظر می‌گردیدند. عده‌ای از مشاوران فرانسوی از جمله گوستاو دومرنی^۵، که حقوق عمومی تدریس می‌کرد و در سازماندهی وزارت کشور ایران در سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۴ همکاری داشت، مستقیماً به تنظیم تشکیلات مالی، حقوقی و

۱. درباره انگیزه‌های توسعه‌طلبانه فرانسه، رجوع کنید به:

Christopher M. Andrew, Peter Grupp, A. S. Kanya-Forstner, *Le mouvement colonial français et ses principales personnalités de 1890 à 1914*, in: *Revue française d'histoire d'Outre-mer*, LXII (1975), pp. 640-673; Peter Grupp, *Deutschland, Frankreich und die Kolonien: Der französische «Parti colonial» und Deutschland von 1890 bis 1914*, Tübingen, Mohr, 1980; Christopher M. Andrew et A. S. Kanya-Forstner, *The Climax of French Imperial Expansion 1914-1924*, Stanford, California, Stanford University Press, 1981, pp. 14-27.

این بررسی‌ها به خوبی نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلایل غیراقتصادی محرک طرفداران سرمسخت نقشه‌های توسعه‌طلبانه فرانسه بوده است. درباره جوانب اقتصادی توسعه‌طلبی امپراتوری فرانسه، که آن‌ها را نیز نباید نادیده گرفت، مطالعه منابع زیر توصیه می‌شود.

Jacques Thobie, *Banque impériale ottomane et Banque impériale de Perse jusqu'en 1914*, in: *Relations Internationales*, 56 (1988), pp. 427-456; Bruce L. Fulton, *France and the end of the Ottoman Empire*, in: Marian Kent, (ed.), *The Great Powers and the end of the Ottoman Empire*, London, Allen and Unwin, 1984, pp. 141-172; Jacques Thobie, *La France impériale 1880-1914*, Paris, Mégralis, 1982; Jean Bouvier, René Girault, Jacques Thobie, *L'impérialisme à la française, 1914-1960*, Paris, La Découverte, 1986.

2. Filles de St. Vincent de Paul

3. Alliance Israélite Universelle

4. St. Cyr

5. Gustave Demorgny

بهداشتی ایران کمک کردند. در زمینه امور اداری باید یادآور شد که سفارت فرانسه در ایران مسئولیت حفظ منافع افسران سوئدی مأمور در تشکیلات انتظامی، به ویژه کسانی را که در ژاندارمری خدمت می‌کردند، برعهده داشت^۱ و وزیر مختار فرانسه در ایران داور میان حکومت ایران و افسران سوئدی بود. اضافه کنیم که از سال ۱۹۰۰ فرانسوی‌ها امتیاز انحصاری کاوش در آثار باستانی ایران را به دست آوردند.

با وقوع جنگ جهانی، که همزمان با آن آلمانی‌ها تلاش‌های خود را در ایران برای تهدید انگلیسی‌ها در هند - منطقه بسیار حساس برای امپراتوری بریتانیا - آغاز کردند، ایران به یکی از مسائل استراتژیک سیاست خارجی فرانسه تبدیل شد. البته در آن زمان هنوز به نظر نمی‌آمد که نقشه‌های آلمان در ایران تفاهم میان روسیه و انگلستان را - که برای حفظ اتحادی که فرانسه در آستانه جنگ توانسته بود برقرار کند بسیار بااهمیت بود - خدشه‌دار کند. ولی کم‌ترین موفقیت اقدامات آلمانی‌ها در ایران، انگلیسی‌ها را ناگزیر می‌ساخت تا پایگاه‌های خود را در هندوستان و خاورمیانه با نیروهایی که فرانسه در میدان‌های نبرد اروپایی به آن‌ها نیاز مبرم داشت، تقویت کنند. اگر آلمانی‌ها موفق می‌شدند رهبری شورش ضداستعماری مسلمانان را در خاورمیانه به دست گیرند، فرانسه بی‌تردید نگران تأثیر آن بر اتباع مسلمان خود می‌شد. نفوذ آلمانی‌ها حتی موضع فرانسوی‌ها در خاک ایران را نیز در معرض خطر قرار می‌داد.

فرانسوی‌ها فعالیت آلمانی‌ها را در ایران که تا این اندازه برای آنان مخاطره‌آمیز به نظر می‌آمد، چگونه تلقی می‌کردند؟
نفوذ آلمان در ایران تاکنون بارها و از جنبه‌های مختلف تشریح گردیده، اما هیچ‌گاه در این بررسی‌ها از منابع فرانسوی استفاده نشده است.^۲ بررسی سترگ

۱. ژاندارمری ایران در سال ۱۹۱۱ با کمک کارشناسان سوئدی به وجود آمد. وظیفه اصلی ژاندارمری حفظ امنیت راه‌های اصلی ارتباطی و تجاری و جمع‌آوری مالیات در ولایات بود. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: پرویز افسر، تاریخ ژاندارمری ایران، قم، ۱۳۳۴.
۲. در اشاره‌های کوتاه کتاب‌شناسی که در پی می‌آید، فقط از کتاب‌هایی نام می‌بریم که به ویژه درباره فعالیت‌های آلمانی‌ها نوشته شده و یا در نگارش آن‌ها از منابع فرانسوی بیشتر استفاده شده است. برای تاریخ نگاری جنگ جهانی اول در ایران به بخش کتاب‌شناسی مراجعه کنید.

اولریش گرکه با عنوان «ایران در سیاست شرقی آلمان در دوران جنگ جهانی اول»^۱ کتابی مرجع در این زمینه است که تقریباً تمام آنچه را که تا سال ۱۹۵۹ در این باره نوشته شده است در بردارد. اسناد سیاسی موجود در بایگانی آلمانی ها و نیز اسناد موجود در بایگانی انگلستان، که در آن تاریخ امکان مطالعه آنها وجود داشته، منبع اصلی در نگارش کتاب بوده است. علاوه بر این، گرکه باعده زیادی از آلمانی هایی که در وقایع آن دوران نقش داشتند گفتگو کرده است و آنها ماجراهای خود را در ایران برای او به تفصیل بیان کرده اند. به نظر می رسد کتاب گرکه، علی رغم اهمیت فراوانی که دارد، از طرف مورخان آن دوره کاملاً شناخته نشده است. ویلیام جی. اولسون در پژوهش ارزشمند خود با عنوان «روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول»^۲ از این اثر استفاده ای نکرده است. او عمدتاً به بایگانی های انگلیس و آمریکا مراجعه و نیز برخی از منابع منتشر شده ایرانی از جمله خاطرات احمد علی سپهر (مورخ الدوله) را بررسی کرده است.^۳ سپهر در آن زمان منشی ایرانی سفارت آلمان در تهران بود. جرج لنچوفسکی نیز در نگاه احتمالی خود به نقش قدرت های خارجی در ایران در جنگ جهانی اول از بررسی گرکه استفاده نکرده است.^۴

پژوهشگران روسی، ایوانووا و میروشینکوف، در آثار خود درباره ایران در جنگ جهانی اول به بررسی بایگانی های روسیه در مسکو، سن پترزبورگ و تاشکند اکتفا کرده اند.^۵

1. Ulrich Gehrke, *Persien in der deutschen Orientpolitik während des ersten Weltkrieges*, 2 vols., Stuttgart, Kohlhammer, [1960].
2. William J. OLSON, *Anglo-Iranian relations during World War I*, London, Cass, 1984.
۳. احمد علی سپهر، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸، تهران، نشر ادیب، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
4. George Lenczowski, Foreign powers' intervention in Iran during World War I, in: E. Bosworth, C. Hillenbrand, (eds.), *Qajar Iran: Political, social and cultural change 1800-1925*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1983, pp. 76-92.
5. M. N. Ivanova, Iran vo vremja pervoj mirovoj vojny [L'Iran pendant la Première Guerre Mondiale], in: *Iran: Istorija i kultura v srednie veka i v novoe vremja*, [Iran: l'histoire et culture au Moyen-Age et à l'époque contemporaine] Moskva, Nauka, 1980, pp. 94-142; L.I. Miroshnikov, *Iran in World War : Lectures read at Harvard University in November 1962*, Moscow, Oriental Literature Publishing House, 1963.

در نوشته‌هایی که در زیر از آن‌ها نام می‌برم، جنبه‌های گوناگون فعالیت‌های آلمانی‌ها بررسی شده است.

دو رساله چاپ نشده که در آن‌ها تلاش‌های ملیون ایرانی برای تشکیل یک حکومت موقت تحت حمایت آلمانی‌ها و عثمانی‌ها شرح داده شده است: رساله ایرج تنهاتن ناصری با عنوان «مهاجرت و حکومت ملی کرمانشاه ۱۹۱۵-۱۹۱۷»^۱ بررسی بسیار جالبی است که براساس بایگانی‌های بریتانیا صورت گرفته، اما از برخی اسناد منتشر نشده ایرانی که قابل دسترسی بوده و منابع «تاریخ شفاهی» نیز استفاده شده است. نویسنده توانسته است در بررسی خود حاصل گفتگو با حداقل ده تن از شهود رویدادها را نقل کند. رساله چاپ نشده مایکل جنینگز لوستیگ با عنوان «مهاجرت و حکومت موقت در کرمانشاه ۱۹۱۵-۱۹۱۷»^۲ عمدتاً مبتنی بر اسناد بایگانی‌های آمریکاست. به نظر لوستیگ، همکاری میان شاخه‌های گوناگون این حرکت ملی‌گرایانه در کرمانشاه به مراتب بیشتر از آنچه که گرکه براساس مدارک بایگانی‌های آلمانی‌ها بیان کرده، هماهنگ بوده است.

رناته فوگل نیز در نوشته‌ای تحت عنوان «مأموریت فن‌نیدر مایر در ایران و افغانستان» این موضوع را از دیدگاه تاریخ نظامی به رشته تحریر درآورده است.^۳ در معدود نوشته‌هایی نیز که در آن‌ها از اسناد فرانسوی استفاده شده است، فعالیت آلمانی‌ها به طور خاص مد نظر نبوده است. با این حال از مقاله دانیل متی تحت عنوان «عملیات قدرت‌های بزرگ در ناحیه ارومیه ایران و آشور - کلدانی‌ها ۱۹۱۷-۱۹۱۸»^۴ نام می‌بریم. نویسنده

1. Iraj Tanhatan Nasseri, *The Muhajirat and the national gouvernement of Kermanshah 1915-1917*, Edinburgh, University of Edinburgh, 1980.
2. Michael Jennings Lustig, *The Muhajarat and the provisional Government in Kermanshah 1915-1917: Conflict and Co-operation between the first political parties in Iran and their participation in the national liberation movement during the first world war*, New York, New York University, 1987.
3. Renate Vogel, *Die Persien-und Afghanistanexpedition Oskar Ritter von Niedermayers 1915-1916*, Osnabrück, Biblio-Verlag, 1976.
4. Daniel Methy, L'action des grandes puissances dans la région d'Ounzia (Iran) et les Assyro-Chaldéens. 1917-1918, in: *Studia Kurdica*, V (1988), pp. 77-100

با تکیه بر بایگانی‌های وزارت جنگ فرانسه - بخش تاریخی نیروی زمینی (Service Historique de L'Armée de Terre, SHAT) ستوان نیکلاس گاسفیلد^۱ را در آذربایجان (از پایان ۱۹۱۷ تا تابستان ۱۹۱۸) شرح می‌دهد.^۲ از رساله چاپ شده فیلیپ رشار تحت عنوان «یک انقلاب دهقانی در ایران از سال ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۱: نهضت جنگل» نیز می‌توان نام برد.^۳ نویسنده در این رساله از گزارش‌های ژول سامپه^۴، کنسول فرانسه در رشت، برای تحقیق دربارهٔ چگونگی مواضع و عملکرد فرانسه در برابر جنبش جنگل استفاده کرده است. رساله در دست نگارش فلورانس هلو^۵ دربارهٔ آشور - کلدانی‌ها در ایران در جنگ بزرگ نیز مبتنی بر اسناد فرانسوی است. تا آنجا که ما می‌دانیم ایرانی‌ها و فرانسوی‌ها روابط فرانسه و ایران را از سال ۱۹۱۴ به بعد، هیچ‌گاه به طور خاص مورد بررسی قرار نداده‌اند.

قصد من این است که پیش از هر چیز میزان و دقت استنباط فرانسوی‌ها را از فعالیت آلمانی‌ها در ایران در دوران جنگ جهانی اول براساس اسناد بایگانی‌های دیپلماتیک فرانسه تجزیه و تحلیل کنم و سپس به بررسی واکنش فرانسوی‌ها در برابر نفوذ آلمانی‌ها در ایران، چه در محل و چه در چهارچوب سیاست خارجی - آنجا که فرانسه با دو متحد اصلی خود، روسیه و انگلیس، متولیان مقتدر ایران، رودروست - پردازم. تحقیقات من نظرات شایع دربارهٔ نقش فرانسه در ایران در

1. Nicolas Gasfield

۲. در پایان سال ۱۹۱۷ ستوان گاسفیلد از طرف ستاد کل ارتش فرانسه به ایران اعزام شد تا به نظامیان روسی در تشکیل یک واحد مسلح طرفدار متفقین کمک کند و نفرات آن را نیز از مسیحیان ساکن در شمال غربی آذربایجان تأمین نماید. پس از پراکنده شدن روس‌ها در پی انقلاب ۱۹۱۷، این افسر فرانسوی تقریباً یک تنه به تشکیل آنچه که آن را «لشکر آشوری‌ها» نامیدند، دست زد و در بهار ۱۹۱۸ سرگردگی باقی ماندهٔ این لشکر را در مقابله با ارتش عثمانی، که حملهٔ جدیدی را به آذربایجان آغاز کرده بود، برعهده گرفت. برخلاف دستور ستادکل ارتش، ستوان گاسفیلد در کنار افراد خود مانده بود تا به جنگی ادامه دهد که در اثر عدم پشتیبانی واحدهای انگلیسی مستقر در آن حوالی، امید به پیروزی در آن نبود. به این ترتیب گاسفیلد را می‌توان نوعی «لورنس فرانسوی» دانست که کاملاً گمنام مانده است.

3. Phillipe Rochard, *Une révolution paysanne en Iran de 1915 à 1921- Le mouvement jangali*, Université de Provence, Aix en Provence, 1992

4. Jules Sampé

5. Florence Hellot

جنگ جهانی اول را پر بارتر - و یا حداقل کامل‌تر - خواهد ساخت. با در نظر گرفتن اینکه بی‌شک پرتحرک‌ترین دوره فعالیت آلمان در ایران از ابتدای سال ۱۹۱۵ تا بهار سال ۱۹۱۶ بود^۱، حتی‌الامکان تمام جزئیات این دوره را بررسی خواهیم کرد.

مطالعات من تقریباً مبتنی بر کلیه اسناد منتشر نشده بایگانی‌های وزارت امور خارجه فرانسه است. من مخصوصاً بر گزارش‌های سیاسی ریچون لوکنت^۲، وزیر مختار فرانسه در ایران، که در نیمه نخست دوره مورد نظر این امکان را داشته است که از نزدیک ناظر تلاش‌های آلمانی‌ها باشد، تکیه خواهم کرد.

مأموریت در تهران آخرین پست دوران خدمت این دیپلمات بود. لوکنت در سوم ژانویه ۱۸۵۸ متولد شد، در سال ۱۸۸۰ در رشته حقوق لیسانس گرفت و در فوریه ۱۸۸۲ در وزارت امور خارجه فرانسه استخدام شد. نظر وی درباره فعالیت آلمانی‌ها بیشتر به این دلیل جالب است که او بارها در آلمان خدمت کرده و به احتمال قوی به همین سبب در تهران توجه خاصی نسبت به فعالیت آلمان‌ها داشته است. لوکنت از ژانویه ۱۸۸۴ تا دسامبر ۱۸۸۷ در مونیخ، از ژوئن ۱۸۹۵ تا فوریه ۱۸۹۹ در برلن، مجدداً از ژوئیه ۱۹۰۵ تا پایان سال ۱۹۰۷ و این بار در سمت دبیر اول سفارت فرانسه در برلن خدمت کرد.

لوکنت آلمانی را بسیار خوب صحبت می‌کرد و با ملازمان برجسته امپراتور ویلهلم دوم مناسبات خاص داشت. او خواهان حسن تفاهم میان فرانسه و آلمان بود^۳ و بنابراین مأموریت او در برلن در ژوئیه ۱۹۰۵، زمانی که بحران مراکش

۱. در این مورد به تاریخچه فعالیت آلمانی‌ها در فصل اول مراجعه کنید.

۲. AMAEF, *Personnel dossiers 2^{ème} série, Lecomte, Raymond, vol 231.*

۳. در اینجا تحسین راینهولد کنراد موشلر شرح حال نویسن پرنس اولنبورگ را از لوکنت نقل می‌کنیم: «لوکنت مردی بود ظریف طبع و با معلومات فوق‌العاده در ادبیات و موسیقی که آلمان را بسیار ارج می‌نهاد.» در این مورد مراجعه کنید به:

Reinhold Conrad Muschler, *Philipp zu Eulenburg*, Leipzig, Grunow, 1930, p. 609.

همچنین درباره آلمان دوستی لوکنت و شخصیت وی از زبان دوستش شاهزاده خانم رادزیویل رجوع کنید به:

La Princesse Marie Radziwill, *Une grande dame d'avant guerre: Lettres de la Princesse Radziwill au général de Robilant 1889-1914*, 4 vols., Bologna, Zanichelli, 1933-1934, passim.

اولین مرحله اوج خود را پشت سر گذاشته و به استعفای دلکاسه^۱ انجامیده بود، تصادفی نبود. به هر حال در ژوئیه ۱۹۰۵ فرانسوی‌ها در صدد عادی کردن روابط خود با آلمان بودند، خصوصاً که از طرف ویلهلم دوم نیز نشانه‌های آشتی‌جویانه‌ای مشاهده کرده بودند.^۲ نزدیک‌ترین شخص به امپراتور، پرنس اولنبورگ، از دوستان دیرین و بسیار نزدیک لوکنت بود.^۳

در سال ۱۹۰۷ رابطه اولنبورگ، شخص مورد اعتماد امپراتور، ولوکنت، نماینده سیاسی کشوری که در افکار عمومی آلمان روز به روز بیشتر به عنوان یک دشمن اجدادی جلوه‌گر می‌شد، دستاویزی برای ماکسیمیلیام فن هاردن روزنامه‌نگار شد که ماجرای معروف به «رسوایی اولنبورگ» را برپا کند که به دنبال آن لوکنت ناگزیر به ترک برلن شود.^۴ اگر این واقعه پیش نمی‌آمد، دوران

I. Delcassé

۲. درباره این رویداد به منابع زیر رجوع کنید.

Maurice Paleologue, *Un grand tournant de la politique mondiale (1904-1906)*, Paris, Plon, 1934; Eugene N., Anderson, *The First Moroccan Crisis 1904-1906*, Chicago, Chicago University Press, 1930; Andrew, Christopher, *Théophile Delcassé and the making of the Entente Cordiale: A reappraisal of French foreign policy 1898-1905*, London et al., Macmillan; New York, St. Martin's, 1968; Pierre Guillen, *L'Allemagne et le Maroc de 1870 à 1905*, Paris, Presses Universitaires de France, 1967; George Monger, *Ursachen und Entstehung der englisch-französischen Entente 1900-1907*, Darmstadt, WBG, (englische Originalausgabe 1963) 1972; Heiner Raulff, *Zwischen Machtpolitik und Imperialismus: Die deutsche Frankreichpolitik 1904/5*, Düsseldorf, Droste, 1976.

۳. شایع بود که آن دو با یکدیگر روابط جنسی نیز دارند. در این مورد به یادداشت‌های خصوصی اولنبورگ مراجعه کنید.

John C. G. Röhl (ed.), *Philipp Eulenburgs politische Korrespondenz, vol. 3: Krisen, Krieg und Katastrophen 1895-1921*, Boppard, Boldt, 1983. (Deutsche Geschichtsquellen des 19. und 20. Jahrhunderts, Bd. 52/III); l'étude d'Isabel V. Hull sur l'entourage de l'empereur: *The entourage of Kaiser Wilhelm II. 1888-1918*, Cambridge, Cambridge University Press, 1988.

۴. ماکسیمیلیام فن هاردن (Maximilian von Harden) این جنجال را با حمله به پرنس اولنبورگ در نشریه خود «دی تسوکونفت» (Die Zukunft) به راه انداخت. لبه تیز این حمله به طرف روابط نزدیک او با یک دیپلمات فرانسوی بود که به نظری موجب شکست سیاسی آلمان در کنفرانس آلمیراس (Algéciras) در سال ۱۹۰۶ (کنفرانس بین‌المللی درباره مراکش. م.) شده بود. منظور هاردن محکوم کردن نفوذ ناخوشایند اطرافیان پادشاه بر او بود که آن‌ها را «بادمجان دور قاب‌چین‌ها» می‌نامید.

خدمت لوکنت احتمالاً در مقام سفیر یکی از پایتخت‌های مهم اروپایی پایان می‌یافت. پیش از آن، در اکتبر ۱۹۰۶، چنین سمتی در سن پترزبورگ به او پیشنهاد شد، اما ظاهراً به این امید که خدمت خود را در مقام سفیر فرانسه در آلمان به پایان برساند، آن را نپذیرفت. لوکنت به نمایندگی جمهوری فرانسه در کمیسیون نظارت بر امور مالی یونان به آتن اعزام شد. از نوامبر ۱۹۰۸ او در مقام وزیر مختار فرانسه به ایران آمد و تا سال ۱۹۱۹ در این سمت باقی ماند.

فرستاده‌های دیگری نیز از طرف دولت فرانسه در تبریز، رشت، شیراز و بوشهر خدمت می‌کردند. اگرچه اسنادی که از این مأموران در وزارت امور خارجه فرانسه وجود دارد، بسیار کم است، اما اطلاعات مرا دربارهٔ چگونگی فعالیت آلمانی‌ها افزایش داده است. باید خاطرنشان کنم که بخش بزرگ مکاتبات کنسولی در شهر نانت فرانسه نگهداری می‌شود و من آن‌ها را مطالعه نکرده‌ام. از طرف دیگر به نظر می‌آید که نمایندهٔ کنسولی فرانسه در شیراز، شهری که در آن دوران شاهد تحریکات شدید آلمان بود، فقط از طریق مترجم سفارت در تهران با وزیر مختار رابطه برقرار می‌کرد. بنابراین امکان وجود گزارش‌های کتبی مستقیم از طرف او، منتفی است.

برای یافتن مدارک مربوط به تصمیمات اخذ شده در پاریس جهت مقابله با فعالیت‌های آلمانی‌ها، که به نوبهٔ خود با توجه به عملکرد وزارت امور خارجه بسیار محدود است، بایگانی‌های راکد «بخش تبلیغات» در قسمت موسوم به «خانهٔ مطبوعات» در وزارت امور خارجه و نیز نامه‌های شخصی سرپرست آن بخش، فیلیپ برتولو^۱ را، که از ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۵ ریاست دفتر وزیر را برعهده داشت، مطالعه کردم.

پس از بررسی دفتر ثبت بایگانی‌های وزارت جنگ فرانسه (بخش تاریخی نیروی زمینی) و انتخاب اسناد احتمالاً جالب، علاقهٔ وافری نسبت به تاریخ

→ HULL, *Entourage*, op. cit.; Muschler, *Eulenburg*, op. cit., pp. 609-614; Norman Rich, M.H. Fisher, (eds.), *Die geheimen Papiere Friedrich von Holsteins*, 4. Band: *Briefwechsel 10. Januar 1897-8. Mai 1909* deutsche Ausgabe von Werner Frauendienst, Göttingen et al., Musterschmidt, 1963.

1. Philippe Berthelot

ایران در دوران جنگ جهانی اول و نقش فرانسوی‌ها در آن در خود احساس کردم. با این حال، این اسناد به سبب تحلیلی نبودنشان برای موضوع مورد مطالعه من چندان قابل استفاده نبودند.

علاوه بر منابع منتشر نشده فرانسوی، منابع چاپ شده به ویژه منابع فارسی شامل مجموعه اسناد و خاطرات را مطالعه کردم.^۱

اسناد وزارت کشور که در بایگانی سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود و بخشی از آن به کوشش کاوه بیات منتشر شده است،^۲ نفوذ آلمانی‌ها را در ایران به خوبی آشکار می‌کند. گزارش‌های پلیس مخفی ایران در آن دوره نیز بخشی از بایگانی شخصی مستشارالدوله صادق است که به همت ایرج افشار به چاپ رسیده است.^۳

در مورد خاطرات، علاوه بر کتاب سپهر که از آن یاد شد، از خاطرات کمال‌زاده^۴ که شامل اطلاعات بسیار جالب و مشروح درباره فعالیت‌های آلمانی‌ها در ایران است و همچنین آثاری چون خاطرات دیوان بیگی، ادیب‌السلطنه سمیعی و حاج عزالممالک اردلان، که مشخصات آن‌ها در بخش کتاب‌شناسی آمده است، استفاده کرده‌ام.

۱. برای آشنایی اجمالی با آثار منتشر شده به زبان‌های مختلف، به کتاب‌شناسی پایان کتاب مراجعه کنید. در اینجا من فقط به برخی منابع، به ویژه منابع مربوط به فعالیت آلمانی‌ها، اشاره می‌کنم.

۲. ایران و جنگ جهانی اول: اسناد وزارت داخله، به کوشش کاوه بیات، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۹. این کتاب به ویژه حاوی گزارش‌های گاه بسیار دقیق و مفصل است که کارگزاران، نمایندگان وزارت امور خارجه در مراکز ولایات، مرتباً ارسال می‌کردند.

۳. خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، مجموعه سوم: راپرت‌های پلیس مخفی، به کوشش ایرج افشار، تهران، طلیعه، ۱۳۶۷.

۴. میرزا ابوالقاسم خان کمال‌زاده، دیده‌ها و شنیده‌ها: خاطرات منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران؛ درباره مشکلات ایران در جنگ بین‌المللی ۱۹۱۴-۱۹۱۸. تهران، نشر فرهنگ، ۱۳۶۳.

www.KetabFarsi.com

فصل اول

آلمان و ایران در جنگ جهانی اول

تاریخچه رویدادها

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

بخش اول

از ابتدای سال ۱۹۱۵ تا بهار سال ۱۹۱۶: اوج فعالیت آلمانی‌ها در ایران

۱. شکل‌گیری طرح آلمان

درگیر شدن آلمان در ایران در جنگ جهانی اول^۱ نتیجه تصمیمی بود که از جانب عثمانی‌ها اتخاذ شد. پس از امضای یک قرارداد اتحاد بین امپراتوری عثمانی و آلمان در ۲ اوت ۱۹۱۴ / ۱۰ رمضان ۱۳۳۲، انورپاشا، وزیر جنگ عثمانی، تصمیم گرفت هیئتی را از راه ایران به افغانستان اعزام کند تا امیر حبیب‌الله‌خان، پادشاه افغانستان، را به جهاد علیه انگلیسی‌ها در هندوستان ترغیب کند. در نقشه عثمانی‌ها پیش‌بینی شده بود که چند افسر آلمانی نیز این هیئت را همراهی کنند تا بر اعتبار آن افزوده شود.

نقشه عثمانی‌ها در برلین با استقبال روبرو شد، زیرا آلمانی‌ها نیز برای تهدید انگلیسی‌ها در هند نظیر چنین برنامه‌ای را پیش‌بینی کرده بودند. این طرح روز ۱۲ اوت ۱۹۱۴ / ۲۱ رمضان ۱۳۳۲ طی جلسه‌ای در وزارت امورخارجة آلمان^۲

۱ این گاه‌نگاری مختصر عمدتاً منسب بر کتاب اولریش گرکه است در مورد حریفان کنی جنگ، به ویژه تاریخ رویدادها، بر کتاب فریتز کلاین و دیگران تکیه شده است.

Fritz Klein, et al (eds.), *Deutschland im Ersten Weltkrieg*, Berlin, Akademie Verlag, 1971

۲ Auswärtiges Amt

به تصویب رسید و مقرر شد که برای تدارک مقدمات کار، کمیسیونی با شرکت دیپلمات‌ها، نظامیان، کارشناسان مربوط و همچنین نمایندگان صنایع و بازرگانان تشکیل شود. در ۶ سپتامبر ۱۹۱۴/۱۵ شوال ۱۳۳۲ اولین گروه آلمانی به سرپرستی ویلهلم واسموس^۱، کنسول پیشین آلمان در بوشهر، برلن را به مقصد بغداد ترک کرد. برای تقویت هیئت آلمانی، که تا حدودی یک جانبه تشکیل شده بود، وزارت امور خارجه آلمان افراد باتجربه‌ای از جمله ستوان اسکار ریترفن نیدرمایر^۲ جغرافی‌دان و پروفیسور اریش سوگمایر^۳ جانورشناس معروف را نیز روانه کرد که در شهر حلب به دیگران پیوستند.

مستقل از این نخستین هیئت آلمانی، که هدفش همراهی کردن عثمانی‌ها در ملاقات با پادشاه افغانستان و عبور از ایران بود، وزارت امور خارجه و اداره سیاسی ستاد کل ارتش آلمان در سپتامبر ۱۹۱۴/ شوال ۱۳۳۲ دومین هیئت را به منظور انجام دادن مأموریت‌هایی در خاک ایران تشکیل دادند.

فرماندهی این هیئت را، که متشکل از دوازده افسر و چهار درجه‌دار آلمانی بود، کاپیتان فریتز کلاین، وابسته نظامی پیشین آلمان در ایران، برعهده داشت و نخستین وظیفه آن منهدم ساختن تأسیسات نفتی شرکت نفت انگلیس و ایران^۴ در شهر آبادان بود. وظیفه دیگر این هیئت، تبلیغ علیه متفقین نزد مراجع مذهبی شیعه در شهرهای مقدس نجف و کربلا برای ترغیب آنان به اعلام جهاد در میان هموطنان ایرانیشان بود.

در سطح دیپلماتیک ابتدا از جانب ایران بود که در پاییز ۱۹۱۴ توجه آلمانی‌ها نسبت به منافعشان در این کشور، که تا آن زمان نقشی در ملاحظات استراتژیکی آلمان در شرق بازی نکرده بود، جلب شد. شخصیت‌های بانفوذ ایران با تأکید بر انزجار از انگلستان و روسیه، با آلمانی‌ها تماس گرفتند تا به آنها پیشنهاد کنند که ایران در کنار قدرت‌های مرکزی وارد جنگ شود.

شاهزاده سالارالدوله، برادر محمدعلی شاه مخلوع، که در تهران بسیار منفور

1. Wilhelm Wassmuss
2. Oskar Ritter von Niedermayer
3. Erich Zugmayer
4. Anglo-Persian Oil Company (APOC)

بود و از ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۴ / ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۲ به حال تبعید در شهر برن سوئیس به سر می‌برد، پیشنهاد کرد که یک جنبش رهایی‌بخش به رهبری او و با کمک آلمانی‌ها به وجود آید. در این زمینه پیشنهادهای متعدد بسیار جدی نیز مطرح شد.

در ۱۸ نوامبر / ۲۹ ذیحجه همان سال، احتشام السلطنه^۱، سفیر ایران در استانبول، رأساً و به طور محرمانه طرحی را برای اتحاد ایران و آلمان به هانس فرایهرفن وانگنهایم^۲، نماینده آلمان در دربار عثمانی (باب عالی) تسلیم کرد.

در آغاز دسامبر ۱۹۱۴ / اواسط محرم ۱۳۳۳ حسین‌خان اختر، منشی سفارت ایران در بروکسل، طی یادداشت محرمانه‌ای طرح برپا کردن یک شورش عمومی را در ایران توسط یک گروه داوطلب، که می‌بایست با کمک آلمانی‌ها در عثمانی متشکل می‌شد، به وزارت امور خارجه آلمان ارائه کرد.

بر این اقدامات ایرانیان در خارج، گزارش‌های رودلف فن کاردورف^۳ کاردار سفارت آلمان در تهران را باید اضافه کرد. او پس از گفتگوهای محرمانه با مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر وقت ایران، اعلام کرده بود که دولت ایران احتمالاً برای بستن یک قرارداد اتحاد با آلمان آمادگی دارد.

بی‌آنکه بخواهیم نیت راستین و آرمان‌های میهن‌پرستانه ایرانی‌ها را، که در اثر بروز جنگ میان آلمان و دو قدرت مسلط بر ایران تشدید شده بود، نادیده بگیریم باید اقدامات آن‌ها را در کنار آلمانی‌ها کوششی برای استفاده از قدرت آن کشور جهت حفظ هرچه بهتر بی‌طرفی ایران دانست که در اول نوامبر ۱۹۱۴ / ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲ اعلام شده بود. سیاست‌گذاران ایرانی با مطرح کردن آلمان‌ها کوشش می‌کردند در برابر نفوذ مقتدرانه روسیه و انگلستان (که اشغال شمال ایران توسط روسیه یکی از مظاهر آن بود) تعادلی به وجود آورند و در عین حال خود را در مقابل اهداف توسعه‌طلبانه عثمانی‌ها محافظت کنند؛ اهدافی که ایرانیان حضور نیروهای روسی را دلیل موجهی برای اجرای آن تلقی می‌کردند. نگرانی ایرانی‌ها کاملاً بجا بود، زیرا در پایان سال ۱۹۱۴ خاک ایران

۱. خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سیدمهدی موسوی، تهران، زوار، ۱۳۶۶. متأسفانه خاطرات احتشام السلطنه جنگ جهانی اول را در بر نمی‌گیرد.

۲. Hans Freiherr von Wangenheim

۳. Rudolf von Kardorf

صحنه نخستین برخوردهایی شد که میان نیروهای روسی و کردهای مسلح ساکن در دو سوی مرز ایران و عثمانی در گرفت؛ درگیری‌هایی که نظامیان عثمانی آن را رهبری می‌کردند و دامن می‌زدند.

وزارت امور خارجه آلمان در مورد طرح اتحاد دو کشور تردید داشت و احتیاط می‌کرد. با این حال، بی‌آن‌که برنامه مشخصی را طراحی کرده باشد، مبلغ پنج هزار مارک به ایران فرستاد تا صرف تبلیغ به سود آلمان شود. اما فن کار دورف تماس‌های پنهانی خود را ادامه داد و در دسامبر ۱۹۱۴ / محرم ۱۳۳۳ با افسران سوئدی ژاندارمری ایران در این خصوص محرمانه رابطه برقرار کرد. در ژانویه ۱۹۱۵ / صفر ۱۳۳۳ دو هیئت آلمانی به بغداد رسیدند و در آنجا به علت بروز اختلافات فزاینده در مورد صلاحیت و حدود اختیاراتشان، موقتاً از کار بازماندند. روابط نخستین هیئت آلمانی با رئوف بیگ، مسئول تشکیل هیئت مشترک اعزامی، بسیار خصمانه شده بود.

از طرف دیگر در خصوص سرپرستی هیئت آلمانی نیز اختلاف نظرهای جدی در درون هیئت وجود داشت و این دلیل عمده سبب شد که واسموس هیئت را ترک کند و به تنهایی برای تحقق طرح‌های آشوب برانگیز خویش در ایران، اقدام کند. اسکار ریتر فن نیدرمایر جای واسموس را گرفت. بر این کشمکش‌ها، که در سطح محلی جریان داشت، رقابت وزارت امور خارجه آلمان و ستادکل ارتش آن کشور برای به دست گرفتن رهبری این مأموریت را نیز باید افزود. دیری نگذشت که طرح‌های آلمانی‌ها در اثر این سه عامل از درون کم و بیش با بن‌بست روبرو شد. این بن‌بست درونی به سرعت تبدیل به یکی از مشخصه‌های مجموع سیاست آلمان در ایران در طول جنگ شد.

۲. ژانویه ۱۹۱۵: انتخاب یک سیاست مشخصاً ایرانی از طرف آلمانی‌ها و تبیین ساختار رهبری

در ۶ ژانویه ۱۹۱۵ / ۱۹ صفر ۱۳۳۳ عثمانی‌ها که از مشاهده استقلال عمل نسبی آلمانی‌ها در کشورهای مسلمان ناراضی بودند - زیرا آن کشورها را حیطه

اختصاصی خود می‌پنداشتند - سرانجام از مشارکت در اعزام هیئت مشترک به کابل منصرف شدند.

اما مقامات آلمانی، طبق نظر نیدرمایر، تصمیم گرفتند برنامه را دنبال کنند. نیدرمایر با تأکید بر اینکه اعزام هیئت به افغانستان مستلزم ایجاد پایگاهی در خاک ایران است، توجه آلمانی‌ها را به ایران جلب کرد. علاوه بر این، در فوریه ۱۹۱۵ / ربیع‌الاول ۱۳۳۳ فن کاردورف - که دست از توطئه چینی برنداشته بود - توانست با اکثریت افسران سوئدی ژاندارمری ایران محرمانه به توافق برسد. براساس این توافق، افسران سوئدی مخفیانه به عضویت ارتش پروس (آلمان) درمی‌آمدند تا با واحدهای تحت فرماندهی خود هسته مرکزی ارتش آینده ایران را به وجود آورند؛ ارتشی متحد با آلمان که آلمانی‌ها با کمک مالی خود پنهانی مأمور تشکیل آن شده بودند.

تصمیم به اعزام یک هیئت مستقل به کابل با تأکید بر لزوم ایجاد پایگاه در خاک ایران و نیز توطئه‌های کاردار آلمان در تهران، نمایانگر آغاز یک خط مشی معین در ایران بود که در چهارچوب سیاست آلمان در شرق در دوران جنگ جهانی اول تدوین می‌شد.

به این ترتیب، برلن برای توجیه اقدامات گذشته به تبیین ابزار رهبری و هماهنگ‌سازی طرح‌های مربوط به ایران دست زد. با این حال، مسئله رقابت آزردهنده در مورد صلاحیت‌ها، که اولین هیئت آلمانی متشکل در سال ۱۹۱۴ را نیز در سطحی متفاوت گرفتار کرده بود، همچنان پابرجا بود: برای رهبری سیاست آلمان در ایران می‌بایست میان نظامی‌ها و دیپلمات‌های آلمانی توافقی حاصل می‌شد.

امور ایران در بخش سیاسی وزارت امور خارجه آلمان زیر نظر بارون لانگورت فن زیمرن^۱ معاون وزیر با همکاری فن وزندونک^۲ مستشار سفارت و شرق‌شناس حرفه‌ای اداره می‌شد. نماینده سیاسی مأمور در ایران ماکس

1. Langwerth von Simmern

2. Von Wesendonk

فرایهرفن اوپنهایم^۱ شرق‌شناس مشهور بود که «مرکز اطلاعاتی شرق» را در وزارت امور خارجه اداره می‌کرد. او در اجرای سیاست آلمان در ایران نقش بسیار مهمی ایفا کرد. سرپرستی امور نظامی برعهده کاپیتان رودلف نادولنی^۲ از بخش سیاسی ستاد کل ارتش بود.

همین ساختار مضاعف فرماندهی را در تشکیلات آلمان‌ها در استانبول نیز می‌بینیم؛ جایی که از آن برای جبران فقدان خط مستقیم ارتباطی میان برلن و تهران به عنوان یک مرکز تصمیم‌گیری بین راه استفاده می‌شد. سفیر آلمان در استانبول، فن وانگنهایم، که خواستار همکاری نزدیک با عثمانی‌ها بود، نسبت به دیپلمات‌های آلمانی مأمور در تهران سمت ارشدیت داشت. سرپرستی نظامی - و بنابراین سرپرستی هیئت فن نیدرمایر - برعهده کلنل فن لایپزیک^۳ بود و میان او و ژنرال‌های آلمانی مأمور در ارتش عثمانی، مانند لیمان فن ساندرس^۴ و برنسارت فن شلندرف^۵، نیز در مورد مسئله تعیین صلاحیت‌ها درگیری‌هایی وجود داشت.

برای غامض‌تر کردن این «کشمکش صلاحیت‌ها» کاپیتان نادولنی پستی با عنوان «افسر رابط برای امور ایران» ایجاد کرد که مستقیماً زیر نظر شخص او بود. این افسر که در مرز ایران و عثمانی خدمت می‌کرد و وظیفه داشت عملیات را هماهنگ و بر اجرای آن در محل نظارت کند، فاقد هرگونه صلاحیت فرماندهی بود. این پست را یک شرق‌شناس معروف، کاپیتان سواره‌نظام فریدریش زاره^۶،

1. Max Freiherr von Oppenheim

در باره این شخصیت بسیار جالب، که دیپلماتی فتنه‌انگیز و در عین حال دانشمندی گرانقدر بود، رجوع کنید به:

R.L. Melka, Max freiherr von Oppenheim Sixty years of scholarship and political intrigue in the Middle East, in: *Middle Eastern Studies*, 9 (1973), pp. 81-93.

به موجب گزارش‌ها، فن اوپنهایم الفاکتنده موضوع سخنرانی ویلهلم دوم در نوامبر ۱۸۹۸ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ در دمشق بود، که ضمن آن امپراتور پُر‌های و هوی آلمان خود را حامی سیصد میلیون مسلمان معرفی کرد (Ibid. p. 82).

2. Rudolf Nadolny

3. Von Leipzig

4. Liman von Sanders

5. Bronsart von Schellendorff

6. Feriedrich Sarre

رئیس بخش هنر اسلامی موزه کایزر فریدریش^۱ از موزه‌های سلطنتی پروس در برلن، عهده‌دار شد.

در ایران نیز مسئولیت عملیات آلمانی‌ها به پرنس هاینریش فن رویس^۲، وزیر مختار آلمان، که قرار بود پس از گذراندن مرخصی خود در آلمان در بهار ۱۳۳۳/۱۹۱۵ به محل مأموریتش بازگردد و همچنین به وابسته جدید نظامی، کنت گئورگ فن کانیتز پدانگن^۳، ستوان ارتش و دبیر سفارت، واگذار شده بود. وی در سال ۱۹۱۰ پیش از آغاز خدمت سیاسی خود مدت کوتاهی را در کسوت افسری در ایران گذرانده بود. فرماندهی هیئت اعزامی به کابل با ستوان ریترفن نیدرمایر بود.

آلمانی‌ها پس از مشخص کردن ساختار درونی فرماندهی طرح، کوشش کردند برنامه‌های خود را با عثمانی‌ها هماهنگ سازند؛ با اینکه عثمانی‌ها از مشارکت در اعزام هیئت مشترک منصرف شده بودند، عملاً تا آن زمان خود عملیاتی را در ایران به اجرا گذاشته بودند.

در ۱۱ فوریه ۱۹۱۵ / ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ یک کنفرانس مشترک بین آلمان و عثمانی در محل سفارت آلمان در استانبول برگزار شد که شرکت‌کنندگان در آن عبارت بودند از: طلعت بیگ وزیر اعظم، انور پاشا وزیر جنگ، تنی چند از افسران عالی رتبه آلمانی که در خدمت ارتش عثمانی بودند، فن وانگنهایم، فن لایپزیک، پرنس رویس، کنت لوگوتتی^۴ وزیر مختار اتریش - مجارستان در ایران، احتشام السلطنه نماینده سیاسی ایران در دربار عثمانی (نماینده رسمی کشوری که بی‌طرفی کامل خود را در جنگ اعلام کرده بود) و کاپیتان دوماره^۵ افسر سوئدی ژاندارمری ایران. سعی بر این بود که یک سیاست مشترک در مورد ایران اتخاذ شود. در پایان کنفرانس در مورد سه مسئله اصلی توافق حاصل شد: ۱- نظر انور پاشا مبنی بر اولویت کامل اشغال استراتژیکی آذربایجان ایران توسط

1. Kaiser Freidrich
2. Heinrich XXXI von Reuss
3. Georg von Kanitz Podangen
4. Logothettei
5. De Marcé

نیروهای عثمانی، پیش از اعزام هیئت به افغانستان، تأیید شد ۲- عثمانی‌ها با اعزام یک هیئت مستقل از طرف آلمان به کابل موافقت کردند، مشروط بر آنکه فرماندهی عالی ارتش عثمانی ضرورت آن را تأیید کند. ۳- عثمانی‌ها به ایران اطمینان دادند که از هرگونه اقدام الحاق‌گرایانه خودداری خواهند کرد.

این توافق چندان دوام نیافت، زیرا بند دوم آن موجب نگرانی آلمانی‌ها به ویژه نادولنی می‌شد. او می‌ترسید که عثمانی‌ها به این بهانه که ادامه حضور گروه آلمانی در بین‌النهرین برای انجام برخی عملیات دیگر ضروری‌تر است، از حرکت آن‌ها به سوی افغانستان جلوگیری کنند. در واقع، از پایان ژانویه ۱۹۱۵ / اواسط ربیع‌الاول ۱۳۳۳ سلیمان عسکری بیگ، فرمانده کل نیروهای عثمانی در بین‌النهرین، ضرورت تمرکز کلیه نیروهای حاضر را برای دفاع از بین‌النهرین یادآور شده بود. او همچنین دستور داده بود که دو هیئت آلمانی در بخش عملیاتی ارتش او ادغام شوند و بخش عمده سلاح‌ها و وسایل آنان ضبط و حق هرگونه اقدام مستقل نیز از آنان سلب شود.

نادولنی با اتکا به خبرهای تازه و دلگرم‌کننده‌ای که کاردورف از ایران برای او می‌فرستاد و با در نظر گرفتن سوءظن ایرانی‌ها نسبت به عثمانی‌ها، به این نتیجه رسید که نه فقط امکان‌پذیر، بلکه ضروری است که دست به عمل بزند و نگذارد عثمانی‌ها پیش از این کار را به تأخیر اندازند. این نظر را وزارت امورخارجة آلمان هم تأیید کرد و آلمانی‌ها تصمیم گرفتند که از این پس در مورد ایران سیاستی مستقل در پیش بگیرند و در پی جلب موافقت مقامات نظامی عثمانی نباشند. این تصمیم مهم تأثیرات نامطلوبی در اجرای نقشه‌های آلمانی‌ها در ایران برجای می‌گذاشت. از این پس عثمانی‌ها و آلمانی‌ها در برخی موارد همانند دو رقیب واقعی عمل می‌کردند.

آلمانی‌ها پیش از هر اقدامی، سریعاً دو هیئت سیاسی - نظامی به ایران فرستادند. پس از اعزام این هیئت‌ها بود که - البته نه به آسانی - شکل فرماندهی هیئت‌ها را ترسیم کردند و در نهایت تصمیم گرفتند که از مشارکت با عثمانی‌ها در اجرای سیاست مربوط به ایران به کلی صرف نظر کنند. اما آلمانی‌ها جز این تصور مبهم که با استفاده از احساسات ضداستعماری مردم خاورمیانه، روس‌ها

و انگلیسی‌ها را مورد تهدید قرار دهند، همچنان درک درستی از این سیاست نداشتند.

همزمان با این تردیدها و تعلل‌ها، آلمانی‌ها یک «کمیته ایرانی» در برلن تشکیل دادند. آن‌ها با کمک سیدحسن تقی‌زاده^۱، که در پایان سال ۱۹۱۴ او را از عزلتگاهش در نیویورک به برلن فراخوانده بودند، عده‌ای از سیاستمداران ایرانی، به ویژه دموکرات‌های تبعیدی را، که به ضدیت با انگلیسی‌ها و روس‌ها شهرت داشتند، در پایتخت امپراتوری گردآوردند. این کمیته، که برنامه کار آن را تقی‌زاده در ۷ مارس ۱۹۱۵ / ۲۰ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ به وزارت امورخارجه آلمان ارائه داد، می‌بایست به نفع آلمان در میان ایرانیان داخل و خارج کشور، به تبلیغ پردازد. آن دسته از اعضای کمیته که به ایران اعزام می‌شدند، مکلف بودند در تدارک مقدمات جنگ برضد متفقین و نیز در ایجاد تشکیلات طرفدار آلمان یا به عبارت دیگر در تشکیل حکومت آماده اتحاد با آلمان مشارکت می‌کردند. برای احتراز از رنجش دولت ایران، آلمانی‌ها به جای تقی‌زاده که گرداننده واقعی این کمیته بود، صفاء‌الممالک، سفیر ایران در اتریش، را به ریاست آن منصوب کردند.

۳. بهار ۱۹۱۵: آغاز عملیات در ایران

زمانی که مسئولان آلمانی در برلن و در استانبول، پس از رهایی از قدرت طلبی عثمانی‌ها، همچنان سرگرم تعیین یک خط مشی در ایران بودند، نمایندگان آنان در محل دست به عمل زدند. ریترفن نیدرمایر که حاضر نشده بود گروه خود را در سپاه بین‌النهرین به فرماندهی عسکری بیگ ادغام کند، مسیر کرمانشاه - دولت‌آباد - اصفهان - یزد - کرمان - بلوچستان - هرات را برای عبور از ایران و رفتن به افغانستان در نظر گرفت. او قصد داشت در این مسیر پایگاه‌های

۱. تقی‌زاده در خاطرات خود فعالیت‌هایش را در آلمان شرح می‌دهد. توصیف او بسیار جانب و سرشار از جزئیات شگرف است، اما با این حال مطلب نازه‌ای درباره چگونگی تشکیل فعالیت‌های «کمیته ایرانی» (Comité Persan) در برلن، ارائه نمی‌دهد. تقی‌زاده چندین بار به پول‌گرافی که آلمانی‌ها جهت تبلیغات در خاورمیانه در اختیار گذاشته بودند، اشاره می‌کند. رجوع کنید به: زندگانی توفانی: خاطرات سیدحسن تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، علمی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۱-۱۸۸.

نظامی ایجاد کند تا بتواند پیش از رسیدن گروه، راه را امن و ارتباط با خطوط پشت سر را نیز برقرار نماید. بنابراین، به منظور بررسی وضعیت و در صورت امکان آماده ساختن محل، سه دسته پیشقراول به منطقه اعزام کرد.

دسته اول به سرپرستی ماکس اتو شونمان^۱، که آلمانی‌ها برای حفظ ظاهر به او عنوان رسمی کنسول داده بودند، در آخر فوریه ۱۹۱۵ / اواسط ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ به کرمانشاه وارد شد و بلافاصله به اقدامی بسیار تحریک‌آمیز و توأم با موفقیت دست زد.^۲

دسته دوم در ۲۶ فوریه / ۱۱ ربیع‌الآخر تحت سرپرستی سوگمایر و نایب ستوان گریزینگر^۳، با اخذ وعده همکاری از جانب حکومت نظام‌السلطنه، از راه بروجرد به اصفهان اعزام شد. این دسته همچنین از سلطان‌آباد، که رهبر^۴ سوئیسی، عامل آلمانی در آنجا به تبلیغ مشغول بود، عبور کرد. دسته گریزینگر می‌بایست در ۲۳ آوریل ۱۹۱۵ / ۸ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ به اصفهان برسد.

گروه سوم در همان تاریخ به سرپرستی پاشن^۵ و ویگت^۶ به سمت همدان حرکت کرد و در ۱۳ آوریل / ۲۸ جمادی‌الاول به آن شهر رسید. ویر^۷، مأمور آلمانی، قبلاً زمینه را در آنجا آماده ساخته بود.

مردم و اکثر مسئولان ایرانی و نیز ژاندارمری از هر سه گروه پیشقراول استقبال کردند. این استقبال موجب شد که آلمانی‌ها نه فقط نسبت به پشتیبانی از هیئت اعزامی به افغانستان بیش از حد امیدوار شوند؛ بلکه امیدهای تازه‌ای نیز در آنان به وجود آید.

فن‌کار دورف با آنکه از هنگام ورود به تهران دستورات صریح و مشخصی از طرف مقامات مردم برلن دریافت نکرده بود، به تلاش‌های دیپلماتیک و تبلیغاتی خود ادامه می‌داد. کساردورف توانست با مطمئن ساختن

1. Max Otto Schlömann

۲. درباره شونمان و فعالیت او به، ص ۷۹. زیرنویس شماره ۱ همین بررسی مراجعه کنید.

3. Griesinger.

4. Rohner

5. P. Paschen

6. Voigt

7. Weber

مستوفی الممالک، رئیس الوزرای وقت، از پشتیبانی آلمانی‌ها او را، که تحت فشار شدید روس‌ها بود، وادار به صدور بیانیه‌های مساعدی بکند. دولت مستوفی الممالک در ۱۲ مارس ۱۹۱۵ / ۲۵ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ استعفا داد. دولت بعدی به ریاست مشیرالدوله نیز به نظر می‌آمد که برای همکاری با آلمانی‌ها آمادگی داشته باشد.

الفای قانون سال «۲۳ جوزای ۱۲۹۰ ش» که موضوع آن اداره امور خزانه‌داری توسط خارجی‌ها بود، و برکنار کردن هاینسسن^۱ خزانه‌دار کل بلژیکی - دشمن سرسخت افسران سوئدی ژاندارمری که حتی مانع از پرداخت حقوق آنان شده بود^۲ - از نخستین اقدامات کابینه مشیرالدوله بود.

گذشته از این‌ها، فن کاردورف یک شبکه جمع‌آوری اطلاعات ایجاد کرده بود که سراسر خاک ایران را دربر می‌گرفت.

واسموس، که به سمت کنسول آلمان در شیراز منصوب شده بود، سرانجام در اول فوریه ۱۹۱۵ / ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ از مرز ایران و عثمانی گذشت و به محل مأموریت خود رفت. او در سر راه خود به شیراز با رؤسای قبایل جنوب غربی ایران ارتباط برقرار ساخت و از آن‌ها دعوت کرد که علیه انگلیسی‌ها دست به مبارزه بزنند. روز ۵ مارس / ۱۸ ربیع‌الآخر افراد یکی از قبایل محلی طرفدار انگلیسی‌ها واسموس را دستگیر کردند، اما او موفق به فرار به برازجان شد. این منطقه تحت حفاظت ژاندارمری و حکمرانش طرفدار آلمان بود. با این حال، روز ۸ مارس / ۲۱ ربیع‌الآخر انگلیسی‌ها لیستمان^۳ کنسول آلمان در بوشهر را دستگیر کردند و به هند فرستادند. انگلیسی‌ها از بایگانی کنسولگری آلمان مدارکی به دست آوردند که مأموریت فن نیدرمایر را به مخاطره می‌انداخت.^۴

در ۱۳ مارس ۱۹۱۵ / ۲۶ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ واسموس به شیراز رسید و

1. Heynsens

۲. در این مورد و نیز در خصوص نقش بلژیکی‌ها در تشکیلات اداری ایرانی رجوع کنید به: Annette Destree, *Les Fonctionnaires belges au service de la Perse: 1898-1915*, Leiden, Brill, 1976. surtout pp. 281-287.

3. Listemann

۴. این واقعه سبب توجه بیشتر فرانسوی‌ها نسبت به فعالیت آلمانی‌ها شد.

تبلیغات و تحریرات خود را در سازمان‌های اداری، در ژاندارمری و به ویژه در میان عشایر منطقه آغاز کرد.

در ۱۸ مارس / ۲ جمادی‌الاول، پرنس رويس، وزير مختار آلمان، برای ملحق شدن به هیئت فن نیدرمایر وارد بغداد شد. در جلسه‌ای که روز ۲۱ مارس / ۵ جمادی‌الاول در بغداد تشکیل شد، نمایندگان آلمان حاضر در محل کوشش کردند برنامه کار خود را تدوین و وظایفی که باید به عهده بگیرند و ترتیبات لازم را مشخص کنند. طرح فن نیدرمایر درباره ایجاد پایگاه‌ها تصویب گردید ولی تصمیم گرفته شد که حتی الامکان از اقدامات نظامی خودداری و با احتیاط بسیار و تظاهر به اینکه بی طرفی ایران محترم شمرده خواهد شد، در جهت جلب نظر مساعد ایران نسبت به برنامه آلمان کوشش شود. اما اجرای این برنامه در اثر اقدامات عثمانی‌ها به دستور رئوف بیگ، در نواحی مرزی شدیداً مختل شد و آلمانی‌ها خواستار عزل فوری وی شدند.

در پایان ماه مارس / اواسط جمادی‌الاول، وزیر مختار آلمان و همراهانش بغداد را ترک گفتند. بیشتر افراد هیئت نیدرمایر، که به ناچار تحت عنوان ملتزمان وزیر مختار او را همراهی می‌کردند، توانستند از مرز عثمانی عبور کنند و وارد ایران شوند؛ کاری که تا آن زمان مقامات نظامی عثمانی از آن ممانعت می‌کردند. آلمانی‌ها در ۱۶ آوریل ۱۹۱۵ / ۱ جمادی‌الآخر ۱۳۳۳ در میان استقبال مردم، که شونمان با تلاش بسیار آن را ترتیب داده بود، وارد کرمانشاه شدند. شونمان توانسته بود کنسول‌های روسیه و انگلستان را ناگزیر به ترک آن شهر کند. هنگامی که فن نیدرمایر به همراه کاروان وزیر مختار آلمان کرمانشاه را به مقصد تهران ترک گفت، بقیه هیئت او به سرپرستی فریتز زایلر^۱، مترجم گروه، به اصفهان رفتند.

به همان نسبت که به نظر می‌آمد وضع در محل به تدریج متحول می‌شود و مأموران مربوط فعالیت خود را آغاز می‌کنند، در برلن تعمق درباره وظایف و هدف‌های سیاست آلمان در ایران بیشتر می‌شد.

۴. کوشش برای تبیین برنامه سیاسی آلمان در ایران

در ۵ آوریل ۱۹۱۵ / ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۳ کاپیتان نادولنی طی یادداشت مفصلی یک برنامه اجرایی برای فعالیت‌های آلمان در ایران به وزارت امورخارجه پیشنهاد کرد. نادولنی پس از تشریح نقشه بلند پروازانه ایجاد شورش علیه متفقین در میان مسلمانان، از قفقاز تا کلکته، از ستاد کل ارتش تقاضا کرد که برای این کار اسلحه و تجهیزات جنگی در اختیار او گذاشته شود؛ تقاضایی که به نتیجه نرسید. درخواست دیگر او، که همچنان بدون پاسخ ماند، تشدید تلاش برای آزادسازی هرچه سریع‌تر خط آهن برلن - استانبول بود که صرب‌ها آن را مسدود کرده بودند. نادولنی همچنین کوشید تا با توجه به شرایط نه چندان مساعد موجود، یک برنامه کار تنظیم کند که حداقل بتواند به ایجاد شورش در ایران بینجامد. او عقیده داشت که کابینه وقت ایران طرفدار آلمان است و آمادگی دارد که تحت شرایط ویژه‌ای از بی‌طرفی خود به سود قدرت‌های مرکزی دست بردارد. بنابراین، به نظر او می‌بایست به گونه‌ای اقدام شود که بتوان ایران را با آلمان متحد ساخت و بلافاصله جنگ علیه روس‌ها و انگلیس‌ها را آغاز کرد.

این گرایش ستیزجویانه ناشی از یک برآورد غیرواقعی از رابطه نیروها در ایران بود. نادولنی تصور می‌کرد برای جنگیدن با دو تا پنج هزار نفر از افراد دشمن، می‌تواند روی هفت هزار ژاندارم و چهار هزار رزمنده عشایری حساب کند و علاوه بر این از ۲۵ هزار سرباز ارتش منظم ایران، که هنوز در مراحل ابتدایی تشکیل بود، بهره بگیرد.^۱

نادولنی همچنین در داوری خود نسبت به کفایت سلاح‌ها، مهمات و سایر تجهیزات ایرانیان بسیار اشتباه می‌کرد. از آنجا که وزارت امورخارجه آلمان هیچ‌گونه نظر مشخصی در این زمینه نداشت، با پیشنهادهای نادولنی موافقت و دستورات خود را براساس خواسته‌های وی صادر کرد. از این پس در وزارت

۱. دربارهٔ جگونگی تأسیس و توسعه نظام رجوع کنید به:

Yann Richard, La fondation d'une armée nationale en Iran, in: Yann Richard (ed.), *Entre L'Iran et l'Occident: Adaptation et assimilation des idées et techniques occidentales en Iran*, Paris, Maison des sciences de L'homme, 1989, pp. 44-53.

Faber, 1967.

DUPUY, Trevor Nevitt, *The military history of World War I, V: The campaign on the Turkish fronts*, New York, Watts, 1967.

FORUQI, Abbas, *The Bahrein Islands, 750-1951*, New York, 1951.

FROMKIN, David, *A peace to end all peace: Creating the Modern Middle East 1914-1922*, New York, Holt; London, Deutsch, 1989.

FULTON, Bruce L., France and the end of the Ottoman Empire, in KENT, Marian (ed.), *The Great Powers and the end of the Ottoman Empire*, London, Allen and Unwin, 1984, pp. 141-172.

LEITENBERG, Milton & SHEFFER, Gabriel (eds.), *Great power intervention in the Middle East*, New York, Pergamon Press, 1979.

LENCZOWSKI, George, *The Middle East in world affairs*, Ithaca, New York, Cornell University Press, 1949.

MARLOWE, John, *The Persian Gulf in the Twentieth Century*, London, 1962.

MOMMSEN, Wolfgang J., Imperialismus im Nahen und Mittleren Osten, *Geschichte und Gesellschaft*, 1 (1975), pp. 401-403.

NEVAKIVI, J., *Britain, France, and the Arab Middle East, 1914-1920*, London, 1969.

PICAUDOU, Nadine, *La Décennie qui ébranla le Moyen-Orient: 1914-1923*, Bruxelles, Complexe, 1992. (Questions au XX^{ème} siècle, 55).

SCHWEINTZ, Karl de, *The rise and the fall of British India*, London, New York, Methuen, 1983.

SHORROCK, William L., *French Imperialism in the Middle East 1900-1914*, Madison, 1976.

SPECTOR, Ivan, *The first Russian Revolution, its impact on Asia*, Eaglewood Cliffs, N. J., Prentice-Hall, 1962.

SPECTOR, Ivan, *The Soviet Union and the Muslim World 1917-1958*, Seattle, University of Washington Press, 1959.

STEVENSON, David, French War Aims and the American Challenge 1914-1918, *Historical Journal*, XXII, 4 (1979), pp. 877-894.

TANENBAUM, Jan Karl, *France and the Arab Middle East 1914-1920*, Philadelphia, Pennsylvania, American Philosophical Society, 1978.

THOBIE, Jacques, *Ali et les 40 voleurs: Impérialisme et Moyen-Orient de 1914 à*

nos jours, Paris, Messidor, 1985. (La passion de l'histoire, 6).

WILSON, K. M., *Empire and continent: Studies in British foreign policy from the 1880ies to the First World War*, London Mansell, 1987. [Imperial interests in the British decision for War 1914: The defence of India in Central Asia, pp. 149-16; The truth about Al-Hakikat: Aspects of British propaganda in the Moslem World during the Great War, pp. 169-183].

ایران در جنگ جهانی اول

مطالعاتی که مستقیماً به روابط ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ مربوط می‌شود

ایران و بریتانیا

BAKHASH, Shaul, The origins of the Anglo-Persian agreement of 1919, *Asian and African Studies: Journal of the Israel Oriental Society*, 1 (1991), pp. 1-29.

BULLARD, Sir Reader, Persia in the two World Wars, *Royal Central Asian Journal*, L. (1963), pp. 6-20.

DYER, G., The Turkish Armistice of 1918, *Middle Eastern Studies*, VIII (1972), pp. 143-178.

ELLIS, C. H., Falsification of history: review article of "English expansion in Iran" by L. I. Miroschnikov, *Royal Central Asian Journal*, LII (1965), pp. 53-56.

KLIEMAN, A. S., Britain's war aims in the Middle East in 1915, *Journal of contemporary history*, 3 (1968), pp. 237-251.

MIROŠNIKOV, L. I., 'Germanskaja ugroza' n Indii i angliskaja ekspanzija v Irane v 1914-1920 godach, *Narody Azii i Afriki*, 6 (1963), pp. 55-72.

MIROŠNIKOV, L. I., Anglo-indiskie vojska v Irane, za Kavkaze i Turkestane v 1914-1920 godach, *Kratkie soobščeneja Instituta Vostokovedenija* 35 (1959), pp. 12-18.

MIROSHNIKOV, Lev Ivanovich, *The German-Turkish Threat to India: Iran's occupation by Britain and British intervention in Transcaucasia and Transcaspia (1914-1921)*, translated from Russian by Leo Lempert, Moscow, Nauka, 1964. [Reply to critics from the Central Asian Research Centre and St. Antony's College. Oxford University]

OLSON, William J., *Anglo-Iranian relations during World War I*, London, Cass,

1984.

OLSON, William J., The genesis of the Anglo-Persian agreement of 1919, in HALM, Sylvia G., KEDOURIE, Elie (eds.), *Towards a Modern Iran: Studies in thought, politics and society*, London, Cass, 1980, pp. 185-217.

RENZI, W. A., Great Britain, Russia and the Straits 1914-1915, *Journal of Modern History*, 1 (1970), pp. 1-20.

SCHWARZ, Benjamin, Divided attention: Britain's perception of a German threat to her eastern position in 1918, *Journal of Contemporary History*, 1 (1993), pp. 103-122.

SMITH, C. J., Great Britain and the 1914-1915 Straits Agreement with Russia: The British promise of November 1914, *American Historical Review*, 4 (1965), pp. 1015-34.

STANWOOD, Frederick, Revolution and the «old reactionary policy»: Britain in Persia 1917, *Journal of Imperial and Commonwealth history*, VI (1977), pp. 144-165.

WILSON, K. M., Imperial Interests in the British decision for war, 1914: The Defence of India in Central Asia, *Review of International Studies*, 3 (1984), pp. 189-203.

سفیری، فلوراید، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره جعفری فشارکی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴

ایران و آلمان

BABACHODAEV, M. A., Missija Nidermajera-Gentiga v Afganistane v 1915-1916 gg., *Kratkie soobščeneja Instituta Vostokovedenija*, 37 (1960).

BAUMGART, Inge, BENNECKENSTEN, Horst, Die Interessen der Deutschen Bank am Mesopotamischen Erdöl, *Jahrbuch für Wirtschaftsgeschichte*, 1 (1988), pp. 149-165.

BIHL, Wolfdieter, *Die Kaukasuspolitik der Mittelmächte*, 2 vols., Wien (etc.), Böhlau, 1975 et 1992. (Veröffentlichungen der Kommission für Neuere Geschichte Österreichs, 61 et 81).

GEHRKE, Ulrich, *Persien in der deutschen Orienpolitik während des ersten Weltkrieges*, 2 vols., Stuttgart, Kohlhammer, [1960]. (Darstellungen zur Auswärtigen Politik, 1).

HAUNER, Milan L., Werner Otto von Hentig 1886-1984, *Central Asian Survey*, 2 (1984), pp. 138-141.

HEINE, Peter, Al-Jihad - eine deutsche Propagandazeitung im I. Weltkrieg, *Die Welt des Islams*, XX (1980), pp. 197-199.

HENTIG, Werner Otto von, Der Hadschi Mirza Hussein im Ersten Weltkrieg vor den Toren Indiens, *Iranistische Mitteilungen*, 3 (1990), pp. 91-117.

IVANOVA, M. N., Germanskaja aggressija v Irane v gody pervoj mirovoj vojny, *Kratkie soobščenija Instituta vostokovedenija*, 19, (1956), pp. 14-27.

KOROTKOVA, T. S., Germansko-tureckoe vtorzenie v Iranskij Azerbajdzan (1914-1915 gg.), *Voprosy istorii*, 1 (1948).

MAHRAD, Ahmad, Oskar Ritter von Niedermayers Papiere im Militärarchiv Freiburg, *Jahrbuch des Verbandes iranischer Akademiker in der Bundesrepublik Deutschland und Berlin (West)*, 1 (1981), pp. 53-117.

MELKA, R. L., Max Freiherr von Oppenheim, sixty years of scholarship and political intrigue in the Middle East, *Middle Eastern Studies*, IX (1973), pp. 81-93.

SCHÄFER, Hermann, Der deutsche Lawrence: Die abenteuerliche Geschichte des Militärattachés Graf von Kanitz, *Die Welt*, 3 mai 1975.

TRUMPENER, Ulrich, German officers in the Ottoman Empire 1880-1918: Some comments on their backgrounds, functions, and accomplishments, in WALLACH, Jehuda (ed.), *Germany and the Middle East 1835-1939*, Tel Aviv, Nateev, 1975. (Jahrb. des Institutes für Deutsche Geschichte, Universität Tel Aviv, Bh. 1), pp. 30-45.

VOGEL, Renate, *Die Persien-und Afghanistanexpedition Oskar Ritter von Niedermayers 1915-1916*, Osnabrück, Biblio-Verlag, 1976. (Studien zur Militärgeschichte, Militärwissenschaft und Konfliktforschung, 8).

سایر کشورها

BIHL, Wolfdieter, Eine Quelle zur österreichisch-ungarischen Persienpolitik 1914-1916, *Militärgeschichtliche Mitteilungen*, XXIII (1978), pp. 77-84.

BIHL, Wolfdieter, Zur Indien-Politik des Osmanischen Reiches im Ersten Weltkrieg, *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes*, LXXXII (1992), pp. 51-66.

CHAQERI, Costoe, *L'Union soviétique et les tentatives de soviets en Iran: deux*

essais historiques, C. Chaqeri et Institut Sultanzade pour la recherche ouvrière, Téhéran, 1983.

JUNG, Peter, *Der k.u.k. Wüstenkrieg: Österreich-Ungarn im Vorderen Orient 1915-1918*, Graz (etc.), Styria, 1992.

LENCZOWSKI, George, Foreign powers' intervention in Iran during World War Iran in BOSWORTH, E., HILLENBRAND, C. (eds.), *Qajar Iran: Political, social and cultural change 1800-1925*, Edinburgh, Edinburgh University Press, 1983, pp. 76-92.

LUFT, Paul, The end of Czarist rule in Iran, in MELVILLE, Charles (ed.), *Persian and Islamic Studies in honour of P. W. Avery*, Cambridge (UK), University of Cambridge, Centre of Middle eastern Studies, 1990. (Pembroke Papers, 1), pp. 99-114.

METHY, Daniel, L'action des grandes puissances dans la région d'Ourmia (Iran) et les Assyro-Chaldéens: 1917-1918, *Studia Kurdica*, V (1988), pp. 77-100.

METHY, Daniel, Les grandes puissances et les chrétiens du Turkestan septentrional persan durant la première guerre mondiale (1917-1918), *Annales du Levant*, 1 (1985), pp. 4-32.

MIROSHNIKOV, L. I., *Iran in World War I: Lectures read at Harvard University in November 1962*, Moscow, Oriental Literature Publishing House, 1963.

WEBER, Frank G., *Eagles on the Crescent: Germany, Austria and the diplomacy of the Turkish alliance 1914-1918*, Ithaca, New York-London, Cornell University Press, 1970.

تحقیقات مربوط به روابط بین‌المللی ایران به طور کلی
 AGAEV, S. L., *Iran - vnesnjaja politika i problema nezavisimosti*, Moskva, 1971.

ATIYYAH, Ghassan, *Iraq 1908-1921: A political study*, Beirut, Arab Institute for Research and Publishing, 1973.

BAHRAMI, Bahram, *Les relations de la Perse avec les grandes puissances à l'époque des Kadjars*, Genève, Ganguin et Laubscher, 1953.

BEHNAM, Anouchiravan, *Les puissances et la Perse de 1907 à 1921*, Montreux, Ganguin et Laubscher, 1957.

EDMONDS, C. J., The Iraqi-Persian frontier 1639-1929, *Journal of the Royal Asiatic Society*, (1975).

KADJAR, Eylah, *L'évolution politique de l'Iran dans le contexte international 1905-1921*, Genève, chez l'auteur, 1986.

KAZEMZADEH, Firuz, *The struggle for Transcaucasia 1917-1921*, New York, Philosophical Library, 1951.

KHADJENOURI, M., L'évolution des relations extérieures de l'Iran du début du XIX^{ème} siècle à la deuxième guerre mondiale, *Politique étrangère*, XL (1976), pp. 127-148.

LAMBTON, A. K. S., The impact of the West on Persia, *International Affairs*, XXXIII (1957), pp. 12-25.

MAZIAR, Morteza, *Les relations internationales de l'Iran de l'avènement des Safavides à nos jours*, Paris, EHESS, 1982 (dactyl.). (Thèse 3^{ème} cycle, Sciences politiques, dir.: A. Diatier).

RAMAZANI, Rouhollah K., Iran's foreign policy: Perspectives and projections in KOURY, Enver M. & MACDONALD, Charles G. (eds.), *Revolution in Iran: A reappraisal*, Hyattsville, Maryland, Institute of Middle Eastern and North African Affairs, 1982, pp. 9-29.

RAMAZANI, Rouhollah K., *The foreign policy of Iran: A developing nation in world affairs 1500-1941*, Charlottesville, Virginia, University Press of Virginia, 1966.

SCHARDI MANAHEDJ, Mohsen, *Les Relations entre l'Iran et les grandes puissances de 1900 à 1925 sur la base des traités conclus au cours de cette période*, Montpellier, Université Montpellier I, 1978 (dactyl.). (Thèse 3^{ème} cycle, Droit public, dir.: A. Castagne)

SPULER, Berthold, Iran im Spiel der Weltmächte im 20. Jahrhundert, *Die Welt als Geschichte*, 2 (1954), pp. 119-131.

VAHID, Rassol Fahimi, *Foreign Policy of Iran*, Hamburg, Universität Hamburg, 1988. (Thèse dactyl., sur 5 microfiches).

WINSTONE, H. V. F., *The illicit adventure: The story of political and military intelligence in the Middle East from 1898-1926*, London, Cape, 1982.

ذوقی، ایرج، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ، ۱۹۲۵-۱۹۰۰، تهران: پازنگ، ۱۳۶۸

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران ۱۹۴۵-۱۵۰۰، تهران، ۱۳۴۹

- AHMAD, Ishtiaq, *Anglo-Iranian Relations 1905-1919*, Bombay, The Faculty of Social Sciences, Aligarh Muslim University, Asia Publishing House, 1974.
- BONDAREVSKIJ, G. L., *Anglijskaja politika i mezdunarodne otnosenija v bassejne Persidskogo zaliva (konec IX-nacalo XXv.)*, Moskva, 1968.
- FAIEMI, Nasrollah Saifpour, *Diplomatic history of Persia 1917-1923: Anglo-Persian Politics in Iran*, New York, Russel F. Moore, 1954.
- GARTHWAITE, Gene R., The Bakhtiyari Khans, the Government of Iran and the British: 1846-1915, *International Journal of Middle East Studies*, III (1972), pp. 24-44.
- GREAVES, Rose Luise, Sistan in British Indian frontier policy, *Bulletin of SOAS*, 1 (1986), pp. 90-102.
- GREAVES, Rose Luise, Themes in British policy towards Persia in relations to Indian frontier defence 1789-1914, *Asian Affairs*, 1 (1991), pp. 35-45.
- KENT, Marian, *Oil and empire: British policy and Mesopotamian oil 1900-1920*, London, MacMillan, 1976.
- LUFT, Paul, The Persian Railway Syndicate and British railway policy in Iran.
- LAWLESS, R. L. (ed.), *The Gulf in the early 20th Century: Foreign institutions and local responses*, Durham (UK), Centre for Middle Eastern Studies, 1986, (Occasional Papers Series, 31), pp. 158-215.
- MAC LEAN, David, *Britain and her buffer state: The collapse of the Persian Empire 1890-1914*, London, Royal History Society, 1979. (Studies in History Series, 14).
- MEJCHER, H., British Middle East Policy 1917-1921, *Journal of contemporary history*, LXXXIII (1973), pp: 81-101.
- SAXENA, S. N., *The role of the Indian Army in the First World War*, Delhi, Bhavna Prakashan, 1987.
- SHERWEN, Douglas S., *The Persian Corridor*, Hicksville, New York, Exposition Press, 1979.
- STANWOOD, Frederick, *War, revolution and British imperialism in Central Asia*, London, Ithaca Press, 1983.
- YAPP, Malcolm, British perceptions of the Russian threat to India, *Modern Asian Studies*, XXI (1987), pp. 647-665.

ایران و آلمان

FLEURY, Antoine, *La pénétration allemande au Moyen-Orient 1919-1939: Le cas de la Turquie, de l'Iran et de l'Afghanistan*, Genève, Institut universitaire de hautes études internationales, Leiden, A. W. Sijthoff, 1977. (Collection de relations internationales, 5).

GEHRKE, Ulrich, Germany and Persia up to 1919, in WALLACH, Jehuda L. (ed.), *Germany and the Middle east 1835-1939*, Tel Aviv, Nateev, 1975 (Jahrb. des Instituts für Deutsche Geschichte, Universität Tel Aviv, Beiheft 1), pp. 104-117.

HIRSCHFELD, Yair, *Deutschland und Iran im Spielfeld der Mächte 1921-1941*, Düsseldorf, Droste, 1980.

KOCHWASSER, Friedrich, *Iran und wir: Geschichte der deutsch-iranischen Handels-und Wirtschaftsbeziehungen*, Herrenalb, 1961.

MAHRAD, Ahmad, *Die deutsche Pénétration pacifique des rianischen Pressewesens 1909-1936*, Frankfurt a. M., Lang, 1983. (Europäische Hochschulschriften, 3/197).

MAHRAD, Ahmad, *Die deutsch-persischen Beziehungen von 1918-1933*, Frankfurt a. M., Lang, 1974.

MEYER, Günther, *Die Politik des deutschen Imperialismus gegenüber Persien 1906-1914*, Diplomarbeit Geschichte, Berlin, Humboldt-Universität zu Berlin, Institut für allgemeine Geschichte, 1960 (dactyl.).

PIPIJA, G. V., *Germanskij imperijalizm v zakavkaz'e v 1910-1918 gg.*, Moskva, 1978.

SEIDENZAHL, F., *100 Jahre Deutsche Bank 1870-1970*, Frankfurt-a. M., 1970.

SOHRAB, Siawusch, *Die deutsch-persischen Wirtschaftsbeziehungen*, Frankfurt a. M., Lang, 1976.

TRUMPENER, Ulrich, Germany and the end of the Ottoman Empire, in KENT, Marian (ed.), *The great powers and the end of the Ottoman Empire*, London, Allen and Unwin, 1984, pp. 111-114.

TRUMPENER, Ulrich, *Germany and the Ottoman Empire 1914-1918*, Princeton, New Jersey, Princeton University Press, 1968.

WALLACH, Jehuda L., *Anatomie einer Militärhilfe: Die preußisch-deutschen Militärmissionen in der Türkei 1835-1919*. Düsseldorf, Droste, 1976.

WERNER, Inge, *Die Afghanistanpolitik des deutschen Imperialismus vom Beginn des Ersten bis zum Ende des Zweiten Weltkrieges*, Halle/Saale, Martin-

Luther-Universität Halle, 1964 (thèse dactyl.).

ایران و روسیه

ENTNER, M. L., *Russian-Persian commercial relations 1828-1914*, Gainesville, Florida, 1965.

LENCZOWSKI, George, *Russia and the West in Iran 1918-1948*, New York, Cornell University Press, 1949.

KAZEMZADEH, Firuz, Russia and the Middle East, in LEDERER, Ivo J. (ed.), *Essays in historical perspective*, New Haven, 1962.

KAZEMZADEH, Firuz, Russian imperialism and Persian railways, *Harvard Slavic Studies*, IV (1957). (Karpovich Memorial Volume).

LUFT, Paul, Strategische Interessen und Anleihepolitik Rußlands im Iran, *Geschicht und Gesellschaft*, 1 (1975), pp. 506-530.

NAVRAN, Ali Reza, *Russo-Iranian relations 1896-1917*, Miami, Florida, Miami University, 1986 (thèse dactyl.).

JUSOPOV, Iskander, *Ustanovlenie i razvitie sovetsko-iranskich otnoshenii (1917-1927 gg.)*, Taškent, Fan, 1969.

OMAR, Assad, *Die russisch-afghanischen Beziehungen von der ersten russischen Gesandtschaft 1878/79 bis zum sowjetischen Einmarsch in Afghanistan am 27.2.1979*, Frankfurt a. M., Lang 1987.

ZÜRRER, Werner, *Persien zwischen England und Rußland 1918-1925: Großmächteinflüsse und nationaler Wiederaufstieg am Beispiel des Iran*, Bern-Frankfurt a. M-Las Vegas, Nevada, Lang, 1978.

م.ع. منشورگرگانی، سیاست دولت شوروی در ایران، از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶، تهران: چاپخانه مظاهری، ۱۳۲۶

سایر کشورها

ABDULLAEV, Z. Z., *Načalo ekspansii SZA v Irane*, Moskva, 1963.

ALEXANDER, Yonah & NANES, Allan (eds.), *The U.S. and Iran: A documentary history*, Frederick, Maryland, University Publications of America, 1980.

ALLEN, William Edward David & MURATOFF, P., *Caucasian battle-fields: A history of the wars on the Turco-Caucasian border 1828-1921*, Cambridge,

Cambridge University Press, 1953.

BILL, J. A., *The eagle and the lion: The tragedy of American-Iranian relations*, New Haven, Yale University Press, 1988.

GHAFFARI, Abdolhassan, *Les relations franco-persanes dans le contexte de la politique extérieure de la III^{ème} République à la veille de la Première Guerre mondiale (1896-1915)*, Paris, Université Paris I, 1978 (Thèse dactyl., Histoire, dir.: J.-B. Duroselle).

SLABY, Helmut, *Bindenschild und Sonnenlöwe: Die Geschichte der österreichisch-iranisch Beziehungen bis zur Gegenwart*, Graz, Akademische Druckund Verlagsanstalt, 1982.

YESELSON, A., *US-Persian diplomatic relations 1883-1921*, New Brunswick, New Jersey, 1956.

مسائل سیاست داخلی ایران در زمان جنگ

مهاجرت

LUSTIG, Michael Jennings, *The Muhajarat and the provisional Government in Kirmanshah 1915-1917: Conflict and Co-operation between the first political parties in Iran and their participation in the national liberation movement during the First World War*, New York, New York University, 1987 (thèse dactyl.).

اتحادیه (نظام مافی) منصوره. احزاب سیاسی در مجلس سوم، ۱۳۳۳-۳۴ ه. ق، تهران:

نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۱

سالار بهزادی، عبدالرضا، «مهاجرت»، آینده، ۹-۷، ۱۳۷۲

گیلان

CHAQERI, Cosroe, The Jangali movement and Soviet historiography: A commentary, *Central Asian Survey*, 1 (1986), pp. 55-64.

HARRIS, G. S., The Gilan Soviet revolution, 1920-1921, in PISCATORI, J. (ed.), *Law, personalities and politics of the Middle East: Essays in honor of Majid KHADDURI*, Boulder, Westview, 1987.

IVANOVA, M. N., The National Liberation Movement in the Gilan Province of Persia, *Central Asian Review*, 4, III (1956).

KETABI, Mahmud, *Kuchek Xân und die Jangali-Bewegung: Darstellung und Analyse der persischen Bewegung Jangal (1915-1921)*, thèse dactyl., Heidelberg, Universität Heidelberg, 1972.

MIR-ABO'L-QÂSEMI, Seyyed Mohammad-Taqi (ed.), *Sâdeq Kucakpur: Nahzat-e Jangal va owzâ'-e farhangi ejtemâi-e Gilân va Qazvin*, Rašt, Gilakân, 1369 (1990).

RAVASANI, Schapur, *Sowjetrepublik Gilan. Die sozialistische Bewegung in Iran seit Ende des 19. Jh. bis 1922*, Berlin, 1973.

YBERT-CHABRIER, Edith, Gilan 1917-1920: The Jengelst Movement according to the memoirs of Ihsan Allah Khan, *Central Asian Survey*, 3 (1983), pp. 36-61.

فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل، تهران: جاویدان، ۱۳۴۴

گیلک، محمدعلی، تاریخ انقلاب جنگل، رشت: گیلکان، ۱۳۷۱

کوچک‌پور، صادق، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین، به

کوشش سید محمدتقی میرابوالقاسمی، رشت: گیلکان، ۱۳۶۹

جنوب

مالکی، هیبت‌الله، قیام جنوب به روایت تصویر، تهران: کنگره بزرگداشت رئیس علمی

دلواری، ۱۳۷۳

باحسینی، سید قاسم، رئیس علمی دلواری تهاجم بریتانیا و مقاومت جنوب، تهران: نشر

شیرازه

- . خالو حسین بُرد خونی، بوشهر، ۱۳۷۳

متفرقه

ENDE, Werner, Iraq in World War I: The Turks, the Germans and the Shiite Mojtahids' call for Jihad, in PETERS, Rudolph (ed.), *Proceedings of the Ninth Congress of the Union Européenne des Arabisants et Islamistes, Amsterdam, 1-7 sept. 1978*, Leiden, Brill, 1978, pp. 57-71.

IVANOVA, M. N., Iran vo vremja pervoj mirovoj vojny, *Iran: Istorija i kultura v srednie veka i v novoe vremja*, Moskva, Nauka, 1980, pp. 94-142.

LUIZARD, Jean-Pierre, *La formation de l'Irak contemporain: le rôle politique des*

ulémas chiites à la fin de la domination ottomane et au moment de la création de l'état irakien, Paris, CNRS, 1991.

تمدن، مهدی، اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضائیه، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۰
شیخ‌الاسلامی، محمدجواد، سیمای احمدشاه قاجار، ۲ ج، تهران: گفتار، ۱۳۷۲
صادق، مستشارالدوله، «دستگیری اعضاء نمتیه مجازات» آینده، ۲-۱، ۱۳۶۰، صص
۵۳-۵۸

فرمانفرمایان، حافظ، فرمانفرما و قحطی ۱۳۳۶ ق در شیراز، تهران: کتاب‌های ایران،
۱۳۴۰

قائم مقامی، جهانگیر، «استعفای سلطان احمدشاه» محیط ادب به کوشش حبیب یغمایی،
تهران: ۱۳۵۸

تحقیقات مربوط به مسائل سیاست داخلی ایران به طور کلی

تاریخ سیاسی

BARZEGAR, A., Mehdi Qoli Hedayat: A conservative of the late Qajar era, *Iranian Studies*, 20, 1 (1987), pp. 55-76.

GREUSSING, K., *Vom "guten König" zum Imam: Staatsmacht und Gesellschaft im Iran*, Bregenz, Vorarlberger Autoren-Gesellschaft, 1987.

KAZEMZADEH, Firouz, The Persian Cossack Brigade, *American Slavic and East European Review*, 15 (1956), pp. 351-363.

LETTAU, Dietr., *Der kaiserlich persische General und Sektionschef. D. Klemens Kolischer Khan: 1868-1945* (thèse dactyl.). Wien, 1975.

MOBAYEN, Gholam-Réza, *Les élections en Iran de 1906 à nos jours*, (thèse), Faculté de Droit de l'Université de Neuchâtel, Neuchâtel, Seiler, 1960.

RICHARD, Yann, La fondation d'une armée nationale en Iran, in RICHARD, Yann (ed.), *Entre l'Iran et l'occident: Adaptation et assimilation des idées et techniques occidentales en Iran*, Paris, Editions de la Maison des Sciences de l'Homme, 1989, pp. 43-60.

SCHEIKH OL-ISLAMI, Mohammed Djawad, *Iran's first experience of military coup d'Etat in the era of her Constitutional government*, (thèse dactyl.),

Heidelberg, Universität Heidelberg, 1965.

YAPP, Malcolm E., 1900-1921: The last years of the Qajar dynasty, in AMIRSADEGHI, Hossein (ed.), *Twentieth century Iran*, London, Heinemann, 1977, pp. 1-22.

افشار، پرویز، تاریخ ژاندارمری ایران، قم: ۱۳۳۴

افشار، رضا، «گوشه‌هایی از تاریخ معاصر»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ۶: ۴، ۱۳۳۳

رائین، اسماعیل، حیدرخان عمو اوغلی، تهران: مؤسسه تحقیقات رائین، ۱۳۵۶

رضازاده ملک، رحیم، چکیده انقلاب، حیدرخان عمو اوغلی، تهران: انتشارات روزبه،

۱۳۵۱

ضرغام بروجنی، جمشید، «نخست وزیران دوران مشروطیت از ابتدا تاکنون، سپهسالار

اعظم» وحید، ۲ دی ۱۳۵۰، ص ۷۲

قائم مقامی، جهانگیر، تحولات سیاسی ایران از قرن یازدهم تا ۱۳۰۱، تهران: علمی، ۱۳۲۶

قاسمی، ابوالفضل، خاندان فیروز، فرمانفرمایان، تهران: روز، ۱۳۵۲

مکی، حسین، مدرس قهرمان آزادی، ۲ ج، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸

تاریخ اقتصادی و اجتماعی

ABRAHAMIAN, Ervand, *Iran between two revolutions*, Princeton, New Jersey, Princeton University Press, 1983.

BONINE, Michael, KEDDIE, Nikki R. (eds.), *Modern Iran: The dialectics of continuity and change*, Albany, New York, State University Press, 1981.

DESTREE, Annette, *Les fonctionnaires belges au service de la Perse 1898-1915*, Leiden, Brill, 1976. (Acta Iranica, 3^{ème} Série, Textes et Mémoires, VI).

FERRIER, R. W., *The history of the British Petroleum Company, vol. 1: The developing years 1901-1932*, Cambridge, Cambridge University Press, 1982.

FLOOR, Willem, *Industrialization in Iran 1900-1941*, Durham (UK), Centre for Middle Eastern and Islamic Studies, University of Durham, 1984 (Occasional Papers Series, n° 23).

ISSAWI, Charles, Iranian trade 1800-1914, *Iranian Studies*, 3-4 (1983), pp. 229-241.

JONES, Geoffrey, *Banking and Empire in Iran: The history of the British Bank of*

- the Middle East*, volume 1, Cambridge (UK), Cambridge University Press, 1986.
- MAHDAVI, Shireen, Social mobility in Qajar Iran: Haj Muhammad Hassan Amin al-Zarb, *Middle Eastern Studies*, 4 (1990), p. 582 sqq.
- THOBIE, Jacques, Banque impériale ottomane et Banque impériale de Perse jusqu'en 1914, *Relations Internationales*, 56 (1988), pp. 427-456.

یکتایی، مجید، تاریخ دارایی ایران، تهران: ۱۳۳۵

تاریخ اندیشه

- ABRAHAMIAN, Ervand, Communism and communalism in Iran: The Tudeh and the Firqah-i Dimokrat, *International Journal of Middle East Studies*, 1/IV (1970).
- COTTAM, Richard W., *Nationalism in Iran*, Pittsburgh, Pennsylvania, University of Pittsburgh Press, 2ème éd. (1ère: 1964), 1979.
- ELWELL-SUTTON, L. P., Nationalism and neutralism in Iran, *Middle East Journal*, 12 (1958), pp. 20-32.
- HA'IRI, Abdul-Hadi, *Shi'ism and constitutionalism in Iran: A study of the role played by the Persian residents of Iraq in Iranian politics*, Leiden, Brill, 1977.
- KEDDIE, Nikki R., *Roots of Revolution: An interpretive history of modern Iran*, with a section by Yann Richard, New Haven, Connecticut, Yale University Press, 1981.
- KEDDIE, Nikki R., Pan-Islam as Proto-Nationalism, *Journal of Modern History*, 41 (1969), pp. 31-53.
- PAHLAWAN, Tschangis, *Die konstitutionelle Revolution in Persien 1981-1921*, (thèse dactyl.), Wien, 1964.
- RAVASANI, Schapour, *Die sozialistische Bewegung in Iran seit dem Ende des 19. Jahrhunderts bis 1922*, thèse dactyl., Hannover, TU Hannover, 1971.
- SHAFAG, S. R., Patriotic poetry in modern Iran, *The Middle East Journal*, IV (1952).
- ZABIHI, Sepehr, *The Communist Movement in Iran*, Los Angeles, University of California Press, 1966.

جودت، حسین، از صدر مشروطیت تا انقلاب سفید، تاریخچه فرقه دموکرات یا جمعیت

عامیون ایران، تهران: ۱۳۶۸

صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ۴ ج، اصفهان، ۱۳۳۱

عشایر

BECK, Lois, *The Qashqa'i of Iran*, New Haven, Connecticut, Yale University Press, 1985.

GARTHWAITE, Gene R., Khans and Kings: The dialectics of power in Bakhtiari history, in BONINE, Michael, & KEDDIE, Nikki R. (eds.), *Modern Iran: The dialectics of continuity and change*, Albany, New York, State University Press, 1981, pp. 159-172.

GARTHWAITE, Gene R., *Khans and Shahs: A documentary analysis of the Bakhtiari in Iran*, London, 1983.

GARTHWAITE, Gene R., Pastoral nomadism and tribal power, *Iranian Studies*, 11 (1978), pp. 173-197.

KHOURY, Philip S., in KOSTINER, Joseph (eds.), *Tribes and state formation in the Middle East (Rev. papers from the Conference on Tribes and State formation in the Middle East, held in Cambridge, Mass., in Nov. 1987)*, Berkeley, California, University of California Press, 1990.

MORTENSEN, Inge Demant, *Nomads of Luristan: History, material culture, and pastoralism in Western Iran*, Copenhagen, Rhodos International Science and Art Publishers, 1993.

TAPPER, R. (ed.), *The conflict between tribe and state in Iran and Afghanistan*, London, Croom Helm, 1983.

OBERLING, Pierre, *The Qashqai Nomads of Fars*, Paris, Mouton, 1974.

OEHLER, Julie, Bibi Maryam a Bakhtiari tribal woman, in BURKE (III), Edmund (ed.), *Struggle and survival in the Middle East*, Berkeley, California, University of California Press, 1993, pp. 129-142.

میسونرها

CHOURAQL, A. N., *Cent ans d'histoire: l'Alliance israélite universelle et la renaissance juive 1860-1960*, Paris, 1965.

CUENCA, André, *L'oeuvre de l'Alliance israélite universelle en Iran*, Paris, Siphor, 1960.

- ELDER, J., *History of the American Presbyterian mission to Iran*, Tehran, 1962.
 WATERFIELD, Robin *Christians in Persia: Assyrians, Armenians, Roman Catholics and Protestants*, London, Allen and Unwin, 1973.

سایر آثار

ساختار و عوامل دیپلماسی فرانسه در دوران جنگ

- ANDREW, Christopher M., GRUPP, Peter, & KANYA-FORSTNER, A. S., *Le mouvement colonial français et ses principales personnalités de 1890 à 1914*, *Revue française d'histoire d'Outre-mer*, LXII (1975), pp. 40-673.
 AUFFRAY, Bernard, *Pierre de Margerie (1861-1942) et la vie diplomatique de son temps*, Paris, Klincksieck, 1976.
 BAILLOU, Jean, *Les Affaires étrangères et le corps diplomatique français, tome II: 1870-1980*, Paris, CNRS, 1984. (Histoire de l'administration française).
 BOUVIER, Jean, GIRAULT, René, & THOBIE, Jacques, *L'impérialisme à la française, 1914-1960*, Paris, La Découverte, 1986. (Textes à l'appui, 179).
 BRÉAL, Auguste, *Phillipe Berthelot*, Paris, Gallimard, 1937. (Les contemporains vus de près, 2^{ème} série, N°4).
 CAMBON, H. (ed.), *Paul Cambon: correspondance 1870-1924*, 3 vols., Paris, Grasset, 1940-1946.
 CAMBON, Jules, *Le diplomate*, Paris, Hachette, 1926. (Le caractères de ce temps, 3).
 GRUPP, Peter, *Deutschland, Frankreich und die Kolonien: Der französische 'Parti colonial' und Deutschland von 1890 bis 1914*, Tübingen, Mohr, 1980..
 GRUPP, Peter, *Le 'parti colonial' français pendant la Première Guerre mondiale: Deux tentatives de programme commun*, *Cahiers d'Etudes Africaines*, 54, XIV-2 (1974), pp. 77-385.
 MINISTERE DES AFFAIRES ETRANGERSE (ed.), *Annuaire diplomatique et consulaire 1914*, Paris, Berger-Lertrault, 1914.

ریمون لوکنت و اولین بحران مراکش

- ANDERSON, Eugene N., *The First Moroccan Crisis 1904-1906*, Chicago, Chicago University Press, 1930.

- ANDREW, Christopher, *Théophile Delcassé and the making of the Entente Cordiale: A reappraisal of French foreign policy 1898-1905*, London, etc., Macmillan, New York, St. Martin's, 1968.
- GUILLÉN, Pierre, *L'Allemagne et le Maroc de 1870 à 1905*, Paris, Presse Universitaires Françaises, 1967.
- HULL, Isabel V. *The entourage of Kaiser Wilhelm II. 1888-1918*, Cambridge, Cambridge University Press, 1988.
- MONGER, George, *Ursachen und entstehung der englisch-französischen Entente 1900-1907*, Darmstadt, WBG, (englische Originalausgabe 1963) 1972.
- MUSCHLER, Reinhold Conrad, *Philipp zu Eulenburg*, Leipzig, Grunow, 1930.
- PALEOLOGUE, Maurice, *Un grand tournant de la politique mondiale (1904-1906)*, Paris, Plon, 1934.
- RADZIWIŁŁ, Marie Princesse, *Une grande dame d'avant guerre: Lettres de la Princesse Radziwiłł au général de Robilant 1889-1914*, 4 vols., Bologna, Zanichelli, 1933-1934.
- RAULFF, Heiner, *Zwischen Machtpolitik und Imperialismus: Die deutsche Frankreichpolitik 1904/5*, Düsseldorf, Droste, 1976.
- RICH, Norman, FISHER, M. H. (eds.), *Die geheimen Papiere Friedrich von Holsteins*, vol. 4: *Briefwechsel 10. Januar 1897-8. Mai 1909*, deutsche Ausgabe von Werner Frauendienst, Göttingen et al., Musterschmidt, 1963.
- RÖHL, John C. G., (ed.), *Philipp Eulenburgs politische Korrespondenz*, vol. 3: *Krisen, Krieg und Katastrophen 1895-1921*, Boppard, Boldt, 1983. (Deutsche Geschichtsquellen des 19. und 20. Jahrhunderts, Bd. 52/III)
- متفرقه
- HAUSER, Oswald, *Deutschland und der englisch-russische Gegensatz 1900-1914*, Göttingen, Vandenhoeck, 1958.
- SCHÖLLGEN, Gregor, *Imperialismus und Gleichgewicht: Deutschland, England und die orientalische Frage 1871-1914*, München, Oldenbourg, 1984.
- THOBIE, Jacques, *La France impériale 1880-1914*, Paris, Mégralis, 1982.
- ZUBOW, Valentin Graf, *Zar Paul I.: Mensch und Schicksal*, Stuttgart, Koehler, [1963].

www.KetabFarsi.com

فهرست اعلام

ت	
آناتولی مدیترانه ۱۷۳	آبادان ۲۸
آندرو، کریستوفر ام. ۱۵۰ - ۱۵۱	آباده ۱۵۴
آنگمان (کاپیتان) ۵۸	آتن ۲۲
آینده (مجله) ۵۴	آدانا ۱۷۳
الف	
اتحاد اسلامی (پان اسلامی) ۱۱۱، ۱۱۹	آذربایجان ۱۵، ۱۹، ۳۳، ۶۸، ۹۰
اتحادیه (نظام مافی)، منصوره ۵۸	آسیا ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۸
اتوشونمان، ماکس ۳۶، ۳۸، ۴۳، ۴۷	۱۶۰، ۱۶۴
۵۳، ۷۷، ۹۱، ۱۰۱	آسیای میانه ۱۶۸
احتشام السلطنه ۲۹، ۳۳	آشور ۱۸-۱۹
اختر، حسین خان ۲۹	آفریقای شمالی ۱۷۳
ادسا ۱۱۹، ۱۳۳	آلب (کوه) ۱۷۳
ادوال (کفتل) ۵۳، ۱۳۷ - ۱۳۹	آلمان، آلمانی‌ها: بیشتر صفحات
ادیب السلطنه سمیع ۲۳	آلیانس اسرائیل ۱۵، ۱۱۹
اردلان، حاج عزالممالک ۲۳	آمریکا، آمریکایی، ایالات متحده آمریکا
اردمان (ستوان) ۵۲	۱۷ - ۱۸، ۶۷، ۱۲۲، ۱۳۳
اردو (زبان) ۱۴۶	۱۳۵-۱۳۶، ۱۶۷-۱۶۹، ۱۷۳-۱۷۴
اروپا، اروپایی ۱۶، ۲۲، ۴۵، ۷۵ - ۷۶	۱۷۷
۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲	آمریکای جنوبی ۱۷۵

۲۲۸ آلمانی‌ها در ایران

انزلی ۱۵۷	۱۲۷، ۱۳۲، ۱۴۵، ۱۷۴، ۱۸۲
انقلاب روسیه ۱۹، ۶۶-۶۷، ۱۵۸-۱۶۰	ارومیه ۱۸
۱۶۲، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۸۱	اسپانیا ۶۷، ۱۵۷
انقلاب مشروطیت ۹۸	استانبول ۲۹، ۳۲-۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۳
انگلستان، انگلیس، انگلیس‌ها، بریتانیا	۴۹، ۶۲، ۶۷، ۹۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۴۳
۱۳، ۱۶-۱۹، ۲۷-۲۹، ۳۵، ۳۷-۳۹	اسماعیل خان صولت الدوله ۱۲۱
۴۲، ۴۴، ۴۸، ۵۱-۵۳، ۵۸-۵۹	اصفهان ۳۵-۳۶، ۳۸، ۴۲، ۴۴-۴۵، ۴۷
۶۱-۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۴، ۷۶-۸۳	۵۰-۵۲، ۵۸، ۸۷-۸۸، ۹۹، ۱۰۲
۸۶-۹۰، ۱۰۰-۱۰۲، ۱۰۵	۱۰۴-۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹
۱۰۷-۱۰۸، ۱۱۲-۱۲۱، ۱۲۳-۱۲۷	۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۷-۱۳۹
۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۸-۱۳۹	۱۵۳-۱۵۴
۱۴۱، ۱۴۸-۱۵۰، ۱۵۳-۱۵۴	اطلاعات (روزنامه) ۱۴۷
۱۵۹-۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۸، ۱۸۲-۱۸۳	اعتدالیون (حزب) ۵۳، ۵۷، ۶۲
۱۸۵-۱۸۷	اعلامیه بالفور ۱۷۵
انورپاشا ۳۳، ۴۳، ۵۰، ۶۱-۶۲، ۹۱	افسر، پرویز ۱۶
اوپنهایم، ماکس فرایهرفن (نماینده	افشار، ایرج ۲۳، ۳۵، ۷۷
سیاسی آلمان) ۲۲	افغانستان، افغان‌ها، افغانی ۱۸، ۲۷-۲۸
اوج ۵۲	۳۱، ۳۴، ۳۶، ۴۰، ۴۴، ۵۲، ۶۰
اوکانر ۴۶، ۵۹	۶۶، ۷۲، ۹۹-۱۰۱، ۱۱۹، ۱۲۳
اولسون، وینيام جی. (پژوهشگر) ۱۷	۱۲۷، ۱۳۰، ۱۶۰، ۱۷۲
۸۷	افیانوسیه ۱۴۲-۱۴۳، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۶۴
اولنبورگ (پرنس) ۲۰-۲۱	امپریالیستی ۱۷۴
ایتالیایی ۱۷۳، ۱۷۷	انجمن ایران و فرانسه ۱۴۶-۱۴۷
ایران، ایرانی‌ها، ایرانیان: بیشتر صفحات	۱۵۰-۱۵۱، ۱۸۴
ایران در جنگ بزرگ (کتاب) ۱۷	انجمن جغرافیایی بازرگانی ۱۵۱
ایران در سیاست شرقی آلمان در دوران	انجمن جغرافیایی پاریس ۱۵۱
جنگ جهانی اول (کتاب) ۱۷	انجمن مدافعین وطن ۵۷
ایران و جنگ جهانی اول (کتاب) ۲۳	انجمن مستعمراتی فرانسه ۱۵۲

- ۲۳، ۱۰۸، ۶۶، ۶۲-۶۱
- بلژیک، بلژیکی‌ها ۱۲۲، ۳۷
- بلشویک‌ها ۱۶۹
- بلغارستان ۱۲۳، ۴۸
- بلوچستان، بلوچ ۱۰۰، ۷۲، ۵۸، ۳۵
- ۱۶۰
- بمبئی ۱۰۹
- بمپار (سفیر فرانسه در استانبول) ۱۴۳
- بنابارت، ناپلئون ۱۳
- بندرعباس ۵۸
- بوپ (کلنل) ۵۹، ۵۷، ۵۴، ۵۱
- بورن، پی‌یر (سناتور فرانسوی) ۱۵۱
- بوشهر ۲۲، ۲۸، ۳۷، ۴۲، ۴۶، ۵۹، ۷۱
- ۸۲، ۱۰۰، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۷۸
- بولن (ژنرال) ۱۷۷
- بولو (صدراعظم آلمان) ۱۲۷
- بونن، شارل (وزیر مختار فرانسه در امور ایران) ۱۷۸
- بهارلو (ایل) ۴۷
- بیات، کاوه ۲۳، ۷۷، ۹۱
- بیت‌المقدس ۱۷۵
- بین‌النهرین ۳۴-۳۵، ۴۸، ۵۰، ۶۱، ۱۱۸
- ۱۶۰، ۱۵۷
- ب**
- پاریس ۱۴، ۲۲، ۸۵، ۸۷، ۱۰۳، ۱۱۸
- ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۸۴
- پاشن (نام) ۳۶
- ۹۱، ۷۷
- ایزنهوت (نماینده شرکت وونکهاوس) ۷۱
- ایوانووا (پژوهشگر) ۱۷
- ب**
- باب عالی ۲۹
- باخ (کاردار سفارت روسیه) ۷۷-۷۹
- باراتف (ژنرال) ۱۵۴، ۱۵۶
- باکو ۸۴
- بالکان ۱۲۵
- بانک استقراضی روس ۴۲، ۸۷
- بانک شاهنشاهی ایران ۴۰، ۷۶
- ۸۰-۸۲، ۸۷، ۱۲۰
- بختیاری (ایل) ۴۵، ۸۷، ۱۰۰، ۱۲۰
- برتولد، فیلیپ ۲۲، ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۶
- ۱۵۳، ۱۷۳
- برلن ۲۰-۲۱، ۲۷-۲۸، ۳۱-۳۳، ۳۵-۳۶
- ۳۸-۴۱، ۴۳، ۴۶، ۴۸-۴۹، ۵۱، ۵۴
- ۵۶، ۶۰، ۶۲، ۶۷، ۷۴، ۱۰۹، ۱۲۳
- ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۶۶
- برن ۲۹
- بروجرد ۳۶، ۶۲، ۱۳۴
- بروکسل ۲۹
- سربان، آریستید (وزیر امور خارجه فرانسه) ۱۴۳، ۱۵۷
- بریتانیا - انگلستان
- بعقوبه (مکان) ۵۹
- بغداد ۲۸، ۳۰، ۳۸، ۵۱، ۵۷، ۵۹

۲۳۰ آلمانی‌ها در ایران

تهران ۱۷، ۲۰، ۲۲-۲۳، ۲۸-۲۹،
 ۳۱-۳۲، ۳۵، ۳۸، ۴۰، ۴۸-۴۹، ۵۱،
 ۵۳-۵۵، ۶۲، ۶۵-۶۷، ۷۱-۷۲،
 ۷۷-۷۸، ۸۲-۸۷، ۹۱، ۹۹-۱۰۰،
 ۱۰۲-۱۰۷، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹-۱۲۰،
 ۱۲۲، ۱۲۸-۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵،
 ۱۳۷-۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۶-۱۵۷،
 ۱۶۶، ۱۶۹-۱۷۰، ۱۷۷، ۱۸۱-۱۸۲،
 ۱۸۶

ج

جرج، لوید (نخست وزیر انگلیس) ۱۷۰
 جمال‌زاده ۱۱۳
 جنبش جنگل ۱۹، ۶۷، ۱۶۹
 جنگ جهانی اول ۱۳-۱۴، ۱۶-۱۷،
 ۱۹-۲۰، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۶۸
 ۱۰۱، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۶
 جنگ و مسئله ایران (کتاب) ۱۸۵

چ

چرچیل (مترجم سفارت انگلیس) ۹۸
 چین، چینی ۶۶، ۱۴۶، ۱۵۲
 چسبی‌به، ژوزف (رئیس انجمن
 مستعمراتی فرانسه) ۱۵۱

ح

حبیب‌الله خان (پادشاه افغانستان) ۲۷،
 ۶۶

پتررگراد ۲۲، ۸۴، ۹۳، ۱۰۴، ۱۳۱،
 ۱۳۹، ۱۶۶، ۱۸۴
 پتسدام ۱۴
 پراتاپ، ماهندرا (مহারاجه هندی) ۴۴
 پراویتس (فرمانده ژاندارمری شیراز) ۷۳
 پروس ۳۱، ۳۳، ۱۲۰
 پل اول (تزار) ۱۳
 پلیس جنوب ایران ۵۸، ۸۹
 پنجابی (زبان) ۱۴۶

پنلووه (وزیر جنگ فرانسه) ۱۷۳
 پوگین (نماینده شرکت هوخست در
 اصفهان) ۴۲، ۴۴، ۸۸، ۱۰۲
 پیشون، استفان (وزیر امور خارجه
 فرانسه) ۱۴۳، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۷

ت

تاریخ ژاندارمری ایران (کتاب) ۱۶
 تاشکند ۱۷
 تاونلی، سر والتر (وزیر مختار انگلیس)
 ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۹۸
 تبریز ۲۲، ۷۳، ۸۸، ۱۰۱، ۱۷۸، ۱۸۶
 ترکی (زبان) ۱۴۶
 ترکستان ۴۹، ۶۶، ۸۲
 تفلیس ۱۳۱
 تقی‌زاده، سید حسن ۳۵، ۵۶، ۶۲، ۶۵،
 ۱۳۹

تنگستانی، تنگستانی‌ها ۴۵، ۵۹، ۱۰۰
 تنهاتن ناصری، ایرج ۱۸

دلکاسه ۲۱، ۷۴، ۱۴۳، ۱۵۰
دمشق ۳۲
دموکرات، دموکرات‌ها ۵۳، ۵۶-۵۷، ۶۲
۶۴-۶۵، ۹۶، ۱۳۴، ۱۳۹
دنسترویل (ژنرال) ۱۶۹
دو اتر، فن اتر (وزیر مختار روسیه) ۷۷
۸۴-۸۵، ۱۱۵
دوکرو، ژرژ (وابسته مطبوعاتی فرانسه
در ایران) ۱۴۶
دوکوتانسون، لودویک بارون (وابسته
نظامی فرانسه در چین) ۱۵۲
دولاپانوز (کلنل) ۱۵۴
دولایگیش (ژنرال) ۱۵۶
دولت‌آباد ۳۵، ۵۵، ۶۲
دومارژری، پی‌یر (کارمند وزارت
امور خارجه فرانسه) ۱۴۳
۱۶۸-۱۷۰، ۱۷۳
دوماره (کاپیتان) ۳۳
دومرنی، گوستاو ۱۵، ۱۸۵
دوموند (نشریه) ۱۵۱
دومه، پل ۱۵۲
دی تسوکونفت (نشریه) ۲۱
دیده‌ها و شنیده‌ها (کتاب) ۲۳، ۱۳۲
دیوان بیگی ۲۳

ر

راپرت‌های پلیس مخفی ۲۳
رادزیویل (شاهزاده خام) ۲۰

حزب مستعمراتی فرانسه ۱۴۲،
۱۵۰-۱۵۲، ۱۷۵-۱۷۶، ۱۸۴-۱۸۵
حسین (میرزا) ۱۱۹
حسینقلی خان نواب ۵۶
حلب ۲۸

خ

خاطرات احتشام السلطنه (کتاب) ۲۹
خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق
(کتاب) ۲۳، ۷۷
خانقین ۴۹
خاور دور ۱۴۶
خاورمیانه ۱۶، ۳۴-۳۵، ۵۱، ۶۴، ۶۸،
۹۴، ۹۶، ۱۴۲-۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۳
۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۵، ۱۷۸
۱۸۴-۱۸۵، ۱۸۷
خاور نزدیک ۱۴۶
خلیج فارس ۵۰، ۷۳، ۱۰۰، ۱۵۵
خلیل بیگ ۶۳
خمسه (ایل) ۴۶-۴۷، ۱۲۱
خوزستان ۱۳۴

د

دبا (نشریه) ۱۵۱
دختران سن و نسان دوپل (خواهران
نیکوکار) ۱۵
درگلتز، فیندمارشال کلمارفرایهر فن ۴۸
۵۰-۵۱، ۵۴

۲۳۲ آلمانی‌ها در ایران

۱۵۳	زاین (رود) ۱۸۵
زیمن، بارون لانگورت فن (کارمند وزارت امور خارجه آلمان) ۳۱	رتوف بیگ ۳۰، ۳۸، ۴۳، ۴۷، ۴۹، ۹۰، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۱
	رشار، فیلیپ (نویسنده) ۱۹
ژ	رشت ۱۹، ۲۲
ژوفر (ژنرال) ۱۵۴	رفیعی، منصوره ۵۸
	روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول (کتاب) ۱۷
س	رور (کنسول آلمان در شیراز) ۵۸
سازمان اسناد ملی ایران ۲۳	روسیه، روس، روس‌ها، شوروی: بیشتر صفحات
سازنف (وزیر امور خارجه روسیه) ۸۴	رومانی ۱۰۸
۸۶، ۹۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۱	روینر (خبرگزاری) ۱۱۲
سالار الدوله ۲۸	رویس، پرنس هاینریش (وزیر مختار آلمان) ۳۳، ۳۸، ۴۲، ۴۹، ۵۳، ۷۷، ۸۰، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۹
سالار بهزادی، عبدالرضا ۵۴	۱۳۴-۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۷
سالار لشکر ۶۲	رهبر (نام) ۳۶
سامپه، ژول (کنسول فرانسه در رشت) ۱۹	ز
ساندرس، لیمان فن (ژنرال) ۳۲	زاره، فریدریش (شرق‌شناس) ۳۲، ۴۳، ۶۳
سایکس، سرپرسی ۵۸	زایلر، فریتز (مترجم) ۳۸، ۴۴-۴۵، ۵۲، ۵۸، ۱۱۷
سپرنکه، موزیس (عضو انجمن ایران و فرانسه) ۱۵۱	زندگانی نوفانی، خاطرات سیدحسن تقی‌زاده (کتاب) ۳۵
سپهر، احمدعلی (مورخ الدوله) ۱۷	زوار (انتشارات) ۲۹
۲۳، ۱۳۳	زومر (کارمند سفارت آلمان) ۶۷، ۱۳۶
سپهسالار ۱۱۴، ۱۳۸	
سرپل ۹۱	
سردار نصرت ۵۸، ۱۵۴	
سعدالدوله ۷۷-۷۹	
سفیری، فلوریدا ۵۸	
سکویل - وست، ژنرال ۱۷۸	

- سلطان آباد ۳۶
 سلطان بلاغ ۵۲
 سلیمان میرزا ۵۳، ۵۶-۵۷، ۶۲، ۱۳۹
 سلیمانیه ۶۶
 سن ۱۵۱
 سنجابی (ایل) ۵۹، ۹۱
 سن سیر (مدرسه) ۱۵
 سنی (مذهب) ۱۱۹، ۲۳
 سوئدی ۱۶، ۳۰-۳۱، ۳۳، ۳۷، ۵۳
 ۷۳-۷۴، ۱۲۰، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۸۲
 سوئیس، سوئیس ۳۶، ۲۹
 سوریه ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۷۵
 سویالست ۱۷۳
 سوگمایر، پروفیسور اریش ۲۸، ۳۶، ۴۲
 ۴۴، ۴۷، ۵۲، ۵۸
- ش
- شرکت سهامی فرش ایران (پتاگ) ۱۰۱
 شرکت نفت انگلیس و ایران ۴۸، ۴۸
 شرکت وونکهایس ۷۱
 شرکت هندواروپ ۱۰۱
 شرکت هوخت ۸۸
 شلندرف، برنسارت فن (ژنرال) ۳۲
 شوش ۱۵۸
 شهری ۱۳۵-۱۳۶
 شیخ خزعل محمدهای ۴۷، ۱۵۸
 شیراز ۲۲، ۳۷، ۴۲، ۴۶، ۵۰، ۵۲
 ۵۸-۵۹، ۷۳، ۱۰۲، ۱۱۷، ۱۱۹
- ۱۵۴-۱۵۵، ۱۸۶
 شیعه، شیعیان ۲۸، ۴۳، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۱۸
 شیلیایی ۸۸
- ص
- صحنه ۵۵
 صربستان، صرب‌ها ۳۹، ۱۰۸، ۱۲۳
 صفاء الممالک ۳۵
 صمدخان ۹۱
 صمصام الممالک ۹۱
 صولت الدوله ← اسماعیل خان
 صهیونیستی ۱۷۵-۱۷۴
- ط
- طباطبایی ۵۷
 طبس ۴۴
 طلعت بیگ ۳۳
- ظ
- ظل السلطان ۸۷
- ع
- عاصم بیگ ۱۱۱، ۱۲۹
 عثمانی، عثمانی‌ها ۱۸-۱۹، ۲۷، ۲۹-۳۰، ۳۲-۳۵، ۳۷-۳۸، ۴۰-۴۱، ۴۳-۴۴، ۴۹-۵۰، ۵۴-۵۵، ۵۷-۶۶، ۶۸، ۷۴، ۷۸، ۹۰، ۹۶، ۱۰۳، ۱۱۱-۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۲۹-۱۳۰

۲۳۴ آلمانی‌ها در ایران

- فارسی (زبان) ۲۳، ۱۴۷، ۱۸۲
فالکنهاین (ژنرال، رئیس ستاد کل آلمان)
۵۰، ۶۰-۶۱
فتح الملک ۵۹
فرانسه، فرانسوی، فرانسویان ۱۳-۱۶،
۱۸-۲۳، ۳۷، ۶۹، ۷۵-۷۷، ۸۸-۷۷
۹۰-۱۰۰، ۱۰۲-۱۱۲، ۱۱۴-۱۲۲،
۱۲۴-۱۳۵، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۰-۱۷۸
۱۸۱-۱۸۷
فرمانفرما ۵۳، ۶۲، ۹۶، ۱۳۸-۱۳۹
۱۴۱، ۱۴۹
فلسطین ۱۷۴-۱۷۵
فورستتر، کانیا ۱۵۱
فوزی بیگ ۵۷، ۶۴
فوگل، رناته (نویسنده) ۱۸
- ق**
قرارداد ۱۹۱۹: ۸۹
قرارداد اتحاد عثمانی و آلمان ۲۷
قرارداد سایکس - پیکو ۱۵۲-۱۵۳،
۱۷۳-۱۷۴، ۱۸۵-۱۸۶
قرارداد سن ژان دومورین ۱۷۳
قرارداد صلح برست لیتوسک ۶۷، ۱۶۵
۱۶۹، ۱۸۶
قزوین ۷۸، ۸۴-۸۶، ۱۰۳-۱۰۷، ۱۱۸،
۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۸
قشقایی (ایل) ۴۵، ۱۲۱، ۱۳۴
قصر شیرین ۵۷، ۹۱
- ۱۳۵، ۱۵۰، ۱۵۶-۱۵۸، ۱۶۵-۱۶۸،
۱۷۷، ۱۸۶
عراق ۶۳، ۶۷
عرب، عربی، اعراب ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۷۵
عسگری بیگ، سلیمان ۳۴-۳۵، ۴۸
عشایر، عشایری ۳۸-۳۹، ۴۱-۴۶، ۴۹،
۵۵، ۵۸-۵۹، ۷۲، ۹۱، ۱۰۰، ۱۲۱
۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۰
علاءالسلطنه ۸۹، ۱۶۳
علمی (انتشارات) ۳۵
عملیات قدرت‌های بزرگ در ناحیه
ارومیه ایران و آشور (مقاله) ۱۸
عهدنامه ۱۹۰۷: ۱۳، ۱۲۴، ۱۶۱-۱۶۲،
۱۸۳، ۱۸۶
عهدنامه اتحاد فرانسه با روسیه ۱۳
عهدنامه روسیه و آلمان ۱۴
عهدنامه (قرار داد) سپهسالار ۱۶۳، ۱۷۲
عهدنامه فرانسه و انگلیس ۱۳
عهدنامه لاهه ۸۳
عین‌الدوله ۴۱-۴۳، ۴۸، ۷۹-۸۱، ۸۳،
۸۵، ۸۸-۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۴،
۱۱۸، ۱۴۹، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷
- غ**
غلامعلی خان نواب ۴۶، ۱۲۰
- ف**
فارس ۷۳-۷۴، ۱۰۲، ۱۲۱

کربلا ۲۸ و ۴۳
 کرج ۱۳۴، ۱۳۸
 کرد، کردها ۳۰، ۴۳
 کوزن (لرد) ۱۷۰-۱۷۱
 کرسٹویتز (وزیرمختار روسیه) ۷۴، ۹۸
 کرکوک ۶۶
 کرمان ۳۵، ۴۲، ۴۷، ۵۲، ۵۸، ۹۹، ۱۰۱،
 ۱۱۷، ۱۵۴
 کرمانشاه ۱۸، ۳۵-۳۶، ۳۸، ۴۳، ۴۷،
 ۵۰، ۵۴-۵۷، ۵۹-۶۳، ۶۵-۶۶، ۷۷،
 ۹۰، ۹۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۱،
 ۱۱۵-۱۱۹، ۱۵۸

کرنند ۴۳، ۵۹
 کلاین، کاپیتان فرینز ۲۷-۲۸، ۴۸، ۵۲
 کلدانی‌ها ۱۸-۱۹
 کلکته ۳۹
 کلهر (ایل) ۵۹
 کیسلینگ، هانس فن ۵۷
 کیلیکیه (مکان) ۱۷۳

ک

گاسفیلد، ستوان نیکلاس ۱۹
 گراهام (کنسول انگلیس در اصفهان) ۴۵
 گرسمان (ژنرال) ۶۳، ۶۶
 گرکه، اولریش (نویسنده) ۱۷-۱۸، ۲۷،
 ۷۸، ۱۳۳
 گروپ، پیتر ۱۵۰-۱۵۱
 گریزینگر (نایب ستوان) ۳۶، ۴۲، ۴۴

قفقاز ۳۹، ۱۰۷، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۹، ۱۷۷
 قم ۱۶، ۵۴، ۵۶، ۱۳۶، ۱۳۹
 قوام‌الملک ۴۶-۴۷، ۵۳، ۱۲۱

ک

کابل ۳۱، ۳۳-۳۴، ۴۴، ۶۰
 کاردورف، رودلف فن (کاردار سفارت
 آلمان در تهران) ۲۹-۳۱، ۳۴،
 ۳۶-۳۷، ۴۰، ۷۲، ۷۸، ۸۲، ۱۱۱،
 ۱۲۰
 کاشان ۵۵
 کاکس، سرپرسی (نماینده بریتانیا در
 خلیج فارس) ۷۳
 کالدول (وزیر مختار آمریکا) ۱۳۵
 کامین، پل (سفیر فرانسه در لندن) ۱۴۳،
 ۱۵۰، ۱۶۸
 کامین، ژول (دبیرکل وزارت امور خارجه
 فرانسه) ۱۴۳
 کامران میرزا ۱۳۸
 کانیتز پدانگن، کنت گئورگ فن (وابسته
 نظامی آلمان) ۳۳، ۴۱-۴۲، ۴۹،
 ۵۵-۵۶، ۶۴، ۱۳۵، ۱۳۷
 کاور (رئیس سعبه بانک استقراضی
 روس) ۴۲، ۸۷
 کاوه (مجله) ۵۶
 کایزر فریدریش (موزه) ۳۳
 کحال‌زاده، میرزا ابوالقاسم‌خان ۲۳،
 ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۶-۱۳۷

۲۳۶ آلمانی‌ها در ایران

۵۸، ۵۲، ۴۷

گلیش (کلنل) ۶۰

ل

لازاریت‌ها ۱۵

لاپریک (کلنل) ۳۲-۳۳

لرستان ۵۵-۵۶، ۱۳۴

لسو (ژنرال) ۶۲

لنچوفسکی، جرج (پژوهشگر) ۱۷

لندرز (دکتر) ۷۱

لندن ۸۶، ۹۳-۹۴، ۱۰۴، ۱۳۲، ۱۴۳

۱۵۰، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۸۴

لوستیگ، مایکل جنینگز (پژوهشگر)

۱۸

لوکنت، ریمون (وزیر مختار فرانسه در

ایران) ۲۰-۲۱، ۷۲، ۷۴-۷۶

۷۹-۸۱، ۸۳-۸۸، ۹۲-۹۳

۹۷-۹۸، ۱۰۰-۱۲۰، ۱۲۲

۱۲۴-۱۲۶، ۱۲۸-۱۳۲

۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۴-۱۴۵، ۱۵۷

۱۶۷، ۱۸۲-۱۸۴

لوگوتتی (وزیر مختار اتریش -

مجارستان) ۳۳، ۷۷

لوبن ۶۱، ۶۵-۶۶

لیستمان (کنسول آلمان در بوشهر) ۳۷،

۷۱-۷۲

م

مارلینگ، سرچارلز (وزیر مختار انگلیس)

۷۷-۷۹، ۸۷، ۹۰، ۹۷، ۱۱۵-۱۱۹

۱۲۵، ۱۳۱، ۱۶۸، ۱۷۱

مارن، لویی ۱۵۱

مأموریت فن نیدرمایر در ایران و

افغانستان (مقاله) ۱۸

مترینخ ۶۳

متفقین ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۳۹-۴۰، ۴۵، ۴۷

۵۳، ۶۷، ۷۴-۸۳، ۸۶-۹۰، ۹۴

۹۶-۹۷، ۱۰۰-۱۱۵، ۱۱۷-۱۲۲

۱۲۵-۱۳۲، ۱۳۸-۱۴۲، ۱۴۴

۱۵۴، ۱۵۶-۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۷

۱۶۹، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۷

۱۸۲-۱۸۵

متی، دانیل ۱۸

مجارستان، مجارها ۳۳، ۴۹، ۷۷، ۸۲

۱۲۳، ۱۳۲، ۱۳۵

مختشم السلطنه ۱۳۱، ۱۳۶

محسن ۱۴۷، ۱۶۲

محمدحسن میرزا ۷۳

محمدعلی شاه ۲۸، ۱۱۹، ۱۳۳

مخبرالسلطنه ۴۶، ۴۵، ۷۳-۷۴، ۱۰۲

۱۲۰-۱۲۱

مدرسه پلی تکنیک ۱۵

مدرسه زبان‌های زنده شرقی ۱۴۲

مدرسه علوم سیاسی ۱۵، ۱۵۲

مراکش ۲۰

- موسین (شهر) ۱۷۳
 مستشار الدوله صادق ۱۳۲، ۲۳
 مستوفی الممالک ۲۹، ۳۷، ۴۸، ۵۶
 ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۳۶، ۱۶۷، ۱۶۹
 مسکو ۱۷
 مسلمان، مسلمانان ۱۶، ۳۰، ۳۲، ۳۹
 ۶۰، ۱۱۷، ۱۲۹، ۱۴۹، ۱۶۲
 مسیحی، مسیحیان ۱۴، ۱۹، ۱۷۵
 مشهد ۱۰۰
 مشیرالدوله ۳۷، ۴۰، ۷۳، ۷۷، ۸۸، ۱۱۱
 موسوی، سید مهدی ۲۹
 موشلر، راینهولد کتراد ۲۰
 موصل ۶۶
 مولندرف، کنت ویلاموینز ۶۱-۶۳
 مونیخ ۲۰
 مهاجرت (مقاله) ۵۴
 مهاجرت و حکومت ملی کرمانشاه
 (کتاب) ۱۸
 مهاجرت و حکومت موقت در کرمانشاه
 (کتاب) ۱۸
 میروشینکوف (پژوهشگر) ۱۷
- ن
- نادولنی، کاپیتان رودلف ۳۲، ۳۴، ۳۹
 ۶۰، ۶۳-۸۶۷
 نانت ۲۲
 نایب حسین کاشی ۴۵
 نجف ۲۸، ۴۳، ۱۱۲
- نشر ادیب ۱۷
 نشر تاریخ ایران ۵۸
 نشر فرهنگ ۲۳
 نصرالله خان ۶۶
 نظام السلطنه ۳۶، ۵۵-۵۷، ۶۰-۶۲
 ۱۲۴، ۱۵۸
 نوبهار (روزنامه) ۱۶۶
 نیدرمایره ستوان اسکار ریتر فن ۲۸
 ۳۰-۳۳، ۳۵، ۳۷-۳۸، ۴۱-۴۲
 ۴۴-۴۵، ۵۲، ۵۸، ۶۰، ۶۶، ۸۸
 ۱۰۱، ۱۲۳
 نیس ۸۷
 نیستروم ۵۳
 نیکلای دوم ۱۴
 نیل (کاپیتان) ۷۲
 نیویورک ۳۵
- و
- وادالا، رامیرو (کنسول فرانسه در بوشهر)
 ۷۱، ۱۷۸
 واسل (دکتر) ۵۰، ۵۴، ۵۹، ۶۳-۶۵
 واسموس، ویلهلم (کنسول آلمان در
 بوشهر) ۲۸، ۳۰، ۳۷، ۴۲، ۴۵-۴۶
 ۵۹، ۷۱، ۷۴، ۱۰۰، ۱۰۲
 ۱۵۳-۱۵۵
 واشنگتن ۱۲۲
 وان (دریاچه) ۵۰
 وانگنهایم، هانس فرایهر فن (نماینده)

۲۳۸ آلمانی‌ها در ایران

هلندی ۱۰۹
 هلو، فلورانس (پژوهشگر) ۱۹
 همدان ۳۶، ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۶۲، ۶۵
 ۱۰۸، ۱۵۳، ۱۸۵
 هتینگ، ورنراتوفن ۴۴، ۶۰، ۶۶، ۱۰۱
 ۱۲۳
 هندوستان ۱۳، ۱۶، ۲۷، ۳۷، ۴۴-۴۶،
 ۵۱، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۱-۷۲،
 ۷۷، ۸۶، ۱۰۰، ۱۴۶، ۱۶۱
 ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۷
 هندوچین ۱۵۲

ی

یزد ۳۵، ۴۷، ۵۲
 یزدان (مکان) ۱۰۱
 یک انقلاب دهقانی در ایران از سال
 ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۱ (رساله) ۱۹
 ینگلی امام ۱۲۸
 یوسف‌آباد ۱۳۶-۱۳۷
 یونان، یونانی ۲۲، ۱۱۹
 یهودی، یهودیان ۱۷۴-۱۷۵

آلمان در باب عالی (۲۹، ۳۲-۳۳،
 ۴۳، ۹۱
 وبر (نام) ۳۶، ۵۲
 وثوق‌الدوله ۱۱۴، ۱۶۷
 وحیدالملک ۶۴
 ورشو ۱۰۱، ۱۱۲
 وزندونک ۳۱
 ووسترو، کورت (کنسول آلمان در
 بوشهر) ۴۶، ۵۸
 زیگت (نام) ۳۶
 ویلسون ۱۷۴
 ویلهلم دوم ۱۴، ۲۰-۲۱، ۳۲، ۴۴، ۱۱۹



هاردن، ماکسیمیلیام فن (روزنامه‌نگار)
 ۲۱
 هاوک (کاپیتان) ۱۳۳، ۱۳۶
 هایستنس (خزانه‌دار کل ایران) ۳۷
 هرات ۳۵
 هرتزوگ زومکلنبورگ، آدولف فریدریش ۵۴
 هلر (کلنل) ۸۳
 هومبر، شارل (سناتور) ۱۵۲



کودتای لاهوتی

تبریز، بهمن ۱۳۰۰
کاوه بیات
۱۵۲ ص. ۶۰۰ تومان



از کردستان عراق تا

آنسوی رود ارس

راهپیمایی تاریخی علامصطفی بارزانی،
بهار ۱۳۲۶
مرتضی زریخت
۱۵۲ ص. ۶۰۰ تومان



رئیس علی دلواری

تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب
سید قاسم یاحسینی
۲۰۸ ص. ۸۰۰ تومان



از مشروطه تا جنگ جهانی اول خاطرات فردریک اوکانر

کنسول انگلیس در فارس
ترجمه حسن زنگنه
۱۲۶ ص. ۶۰۰ تومان



عملیات لرسقان

اسناد سرتیپ محمدشاه بختی ۱۳۰۳ و ۱۳۰۶
شمسی
کاوه بیات
۲۱۲ ص. ۱۱۰۰ تومان



مقالاتی در جامعه‌شناسی

سیاسی ایران

برواند آبراهامیان
ترجمه سهیلا ترابی فارسانی
۲۶۸ صفحه، ۱۰۰۰ تومان



نشر شیرازه

منتشر کرده است:

تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۱۳۸

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

تلاش گستردهٔ عوامل دولت آلمان برای تبدیل ایران به یک پایگاه انقلابی جهت شوراندن شرق استعمارزده بر ضد روس و انگلیس، ایران را به رغم اعلان بی طرفی دستخوش تحولات جنگ اول جهانی کرد. در این کتاب پس از مروری کوتاه بر این دروه از فعالیت آلمانی‌ها، خط مشی دولت فرانسه در قبال این تحولات، هم به عنوان یکی از قدرت‌های متفق روس و انگلیس و هم به عنوان قدرتی در یک رقابت پنهان با آن دو و مترصد توسعهٔ نفوذ خود، مورد بررسی قرار گرفته است.



قیمت: ۸۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۶۵۷۸-۰۴-۷ ISBN: 964-6578-04-7